



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما الصلوات
والتسلیمات

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



مہر یار

محور مودتہا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مهر یار محور مودتها

نویسنده:

سید محمود بحر العلوم میردامادی

ناشر چاپی:

بهار قلوب

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	مهرِ یار محور مودتها
۷	مشخصات کتاب
۷	پیشگفتار
۸	اثر برگزیده (۱) مهرِ یار محور مودتها
۸	پیرامون محبت قلبی نسبت به مولای هستی حضرت بقیةالله الاعظم عجل
۸	[اساس دین اسلام محبت است]
۸	موجبات محبت
۱۰	محور محبتها
۱۲	اثر برگزیده (۲) نوید پیامبران بر مصلح آخرالزمان
۱۲	دیدگاه ادیان و مکاتب پیرامون حضرت بقیةالله الاعظم عجل
۱۲	حکومت واحدهی جهانی
۱۳	بعثت پیامبر اسلام صل
۱۳	امید به آیندهی درخشان
۱۳	نوید پیامبران بر مصلح آخرالزمان
۱۴	روایات اسلامی ما
۱۴	اثر برگزیده (۳) پرتو نور هو@ اشراق نور رب
۱۴	پیرامون میعاد ظهور و نور افشانی حضرت بقیةالله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۶	یک مدرک زنده
۱۷	اثر برگزیده (۴) اشک جوان بر امیر زمان
۱۷	پیرامون ارتباط جوان، با بهار آفرین دلهای خزان حضرت بقیةالله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۷	آینهی خدا نما
۱۹	اثر برگزیده (۵) امام زمان نشاط بخش روزگاران

- ۱۹ (علت انحطاط مسلمین، دوری از نشاط بخش قلوب مؤمنین)
- ۲۰ شناخت امام
- ۲۳ اثر برگزیده (۶) مهدی قطب جهان هستی
- ۲۳ (پیرامون معرفت‌یابی و عوامل شناخت)
- ۲۳ راه معرفت‌یابی
- ۲۴ بندگان شایسته
- ۲۵ ادب در برابر امام
- ۲۵ شرط قبول توحید و رسیدن به کمال
- ۲۶ علت اصلی انحطاط
- ۲۶ وجود مطهر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۲۷ ثمره‌ی هستی
- ۲۷ سؤال در مورد علم امام
- ۲۸ پاسخ مطلب
- ۲۹ هشدار به نسل جوان
- ۲۹ ولایت تکوینی‌هی حضرت ولی عصر عجل
- ۳۰ هدایت یافتگان
- ۳۱ پیش درآمد
- ۳۱ نظریه‌ی آیت‌الله طباطبائی قدس در مورد مدعی رؤیت
- ۳۱ [مذهب باب]
- ۳۲ هدایت‌یابی خطیب عراقی
- ۳۳ نمونه‌ای از مباحثات با خطیب عراقی
- ۳۴ پی نوشت
- ۳۷ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

مهر یار محور مودتها

مشخصات کتاب

سرشناسه: بحرالعلوم میردامادی محمود عنوان و نام پدید آور: مهر یار محور مودتها / نگارش محمود بحرالعلوم میردامادی تدوین مجمع مطالعات و تحقیقات مسائل جهانی مهدویت مدرسه و کتابخانه تخصصی حضرت ولی عصر مشخصات نشر: اصفهان موسسه انتشاراتی بهار قلوب ۱۳۷۸. مشخصات ظاهری: [۱۳۶] ص فروست: (آثار برگزیده پیرامون حضرت بقیه الله الاعظم (عج) شابک: ۹۶۴-۹۲۳۹۲-۳-۵؛ ۹۶۴-۹۲۳۹۲-۳-۵ وضعیت فهرست نویسی: فهرستنویسی قبلی یادداشت: پشت جلد به انگلیسی ... Mihryar the pivot of All love: A selection of works on Hazrat. یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس موضوع: مهدویت موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم ق ۲۵۵ شناسه افزوده: مجمع مطالعات و تحقیقات مسائل جهانی مهدویت شناسه افزوده: مدرسه و کتابخانه تخصصی حضرت ولی عصر (عج) رده بندی کنگره: ۴ / BP۲۲۴ / ب ۲۷م ۹ رده بندی دیوبی: ۲۹۷ / ۴۶۲ شماره کتابشناسی ملی: ۷۸-۲۱۷۳۰ تهیه و تنظیم: مجمع مطالعات و تحقیقات مسائل جهانی مهدویت مدرسه و کتابخانه‌ی تخصصی حضرت ولی عصر عجل Email: walisr.as@isfahan.or-ir مرکز پخش: قم- خیابان ارم (مرعشی نجفی)- پاساژ قدس - طبقه همکف پلاک ۹۸- کتابفروشی اسلامی - یعقوبی (۷۴۲۰۹۲)

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم بعد از حمد و ثنای الهی و صلوات بر رسولان آسمانی به ویژه بر پیامبر اسلام و آل طاهرین ایشان علیهم السلام، مدتی است افتخار بزرگ سربازی بزرگ مصلح جهان بشریت در مکان مقدس مدرسه و کتابخانه‌ی تخصصی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تحت عنوان «مجمع مطالعات و تحقیقات مسائل جهانی مهدویت» و آخرالزمان شناسی نصیبمان شده است. این مدرسه و کتابخانه که در موضوع کلام و پاسداری از مرزهای عقیدتی به ویژه مباحث بلند امامت و ولایت اهل البیت علیهم السلام خاصه حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف تلاش می‌نماید، کار تحقیق بعضی از کتب پیرامون مهدویت و وجود مطهر حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را به این مجمع واگذار نموده است، به حمدالله کتاب حاضر که شامل شش اثر ارزنده، از آثار برگزیده‌ی حجة الاسلام و المسلمین حاج سید محمود بحرالعلوم میردامادی (زیده عزه العالی) به نامهای: ۱- مهر یار محور مودتها «چاپ شده در مجله موعود» (به نام آینده‌ی جهان و جهان آینده شماره‌ی ۱۲ / بهمن و اسفند / ۱۳۷۷) تهران ۲- نوید پیامبران بر مصلح آخرالزمان «چاپ شده توسط بنیاد اندیشه تهران در مجله‌ی فرانسوی» LE ۳ / NO. ۱۶۱ / AVRIL ۱۹۹۸ (MESSAGE DE L'ISLAM) - پرتو نور هو، اشراق نور رب ۴- اشک جوان بر امیر زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ۵- امام زمان (عج) نشاط بخش روزگاران «چاپ شده در مجله‌ی «پیدای نهان» (نیمه‌ی شعبان ۱۴۱۹ ه. ق مسجد آیت الله انگجی - تبریز) ۶- مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قطب جهان هستی می‌باشد، خدمت دوستداران نور و منتظران ظهور ارائه می‌گردد، البته آثار دیگری در زمینه‌ی کلام و عقائد، ولایت اهل البیت علیهم السلام نقد کتب مستشرقین از مؤلف عالیقدر آماده‌ی چاپ است، که با تحقیق و ویراستاری جدید این مجمع منتشر می‌شود، که اینجا به نام بعضی از آنها اشاره می‌گردد. ۱- اشک خونین «مناظره‌ی پیرامون ولایت تکوینی و انکسار موجودات در برابر مصائب اهل البیت علیهم السلام به ویژه حضرت سیدالشهدا علیه السلام ۲- در محضر دوست جلد سوم «هدایت یافتگان به عنایت حضرت ولی عصر (عج)» ۳- فریاد «علیه انحرافات فکر و عقیدتی» ۴- پای درس استاد «شرح تجرید الاعتقاد» ۵- جامعه شناسی مدینه «پژوهشی پیرامون وضعیت شیعه و آثار مربوط به حضرت بقیه الله الاعظم (عج) در مدینه‌ی طیبه» ۶- مباحث ولایت بر محور کتاب شریف الغدیر در خاتمه جهت تعجیل

فرج حضرت بقیة الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف دست به دعا بر می‌داریم و موفقیت و سربلندی دوستان و مدافعین حریم ولایت آل عصمت علیهم السلام را از خداوند متعال خواهانیم. والسلام علیکم ورحمة الله مجمع مطالعات و تحقیقات مسائل جهانی مهدویت مدرسه و کتابخانه‌ی تخصصی حضرت ولی عصر (عج) ۱۳ / رجب المرجب / ۱۴۲۰ هجری قمری میلاد با سعادت حضرت علی بن ابی طالب^۷

اثر برگزیده (۱) مهَرِ یارِ مَمُورِ مَوَدَّتِهَا

پیرامون محبت قلبی نسبت به مولای هستی حضرت بقیة الله الاعظم عجل

[اساس دین اسلام محبت است]

بسم الله الرحمن الرحيم اساس دین اسلام محبت است، محبت خداوند، که منعم است، محبت پیامبر که خیرخواه بشر و مذكر است، محبت راهنمایان نور، که نگاهدار دین و مفسران نسخه سعادتند و محبت راهیان نور و منتظران ظهور، آنها که وابسته به محبوبان الهیند. روایت می‌فرماید: «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ». (۱) آیا ایمان غیر از دوستی خدا و اولیاء او و دشمنی با دشمنان ایشان است؟ پاسخ این است که: «الَّذِينَ هُوَ الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ هُوَ الدِّينُ». (۲) حقیقت این دوستی خدا و اولیاء اوست، دوستی خدا و اولیاء او حقیقت دین است. انسان محب، در طریق محبت محبوب پیروی از کتاب تکوین «آفرینش» و کتاب تشریح «قرآن کریم» می‌نماید. قانون محبت در سراسر عالم وجود حکمفرماست و همه موجودات با نظم خاص و ارتباط و اثرپذیری نسبت به یکدیگر، گوش به فرمان خالق، تسبیح گوی و محب اویند. «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ» (۳) قرآن کریم که خود نسخه محبت و سعادت است، انسان را به هماهنگی با کتاب آفرینش فراخوانده و به محبت الله و اولیاء او دعوت می‌نماید.

موجبات محبت

موجبات محبت فراوان است، و ما به خواست خداوند در گفتارهای آینده به بررسی آنها می‌پردازیم. نفع رسانی محبوب به محب، یکی از موجبات محبت است. قرآن کریم می‌فرماید: «فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَ أَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ» (۴) اما کف (خاشاک روی آب) نابود گردد، ولی آنچه برای مردم سودمند است در زمین پایدار بماند. زبد، کف و خاشاک که خود فاقد کمال است، چگونه می‌تواند به جامعه بشری نفع رسان باشد؟ کور چگونه می‌تواند عصاکش کور دیگر شود، خودش در هوی خواهی و علو طلبی مانده، ادعای خلیفه‌اللهی و مرشدیت خلق می‌کند. خاشاک‌های تاریخ، سلاطین جور، حکام ستمگر، از خوبیها چه داشتند که بتوانند عطا کنند و سود ببخشند؟ اما آب؛ اولاً ظهور است، پاک و پاک کننده، چه هنری از این بالاتر؟ محیط زیست را از آلودگی پاک می‌کند، به جنگ میکروبها و آفتها می‌رود، هوا را طراوت و طهارت می‌دهد. و ثانیاً حیات بخشی دارد، حیات هر ذی حیاتی از آب است، پس آب به دلیل نفع رسانیش باقی می‌ماند و محبوب حیات داران عالم است. علماء و دانشمندان ربّانی، مجاهدان و شهیدان الهی که بعد از پیشوایان معصوم علیهم السلام نقش آب را در طهارت بخشی و حیات دهی در جامعه انسانی دارند، محبوب انسانها و باقی به بقاء حق و جاویدانند. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «الْعُلَمَاءُ بِأَقْوَنَ مَا بَقِيَ الدَّهْرُ». (۵) دانشمندان پایدار و جاویدانند، چندان که روزگار بجا است. قرآن می‌فرماید: «وَ لَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَ لَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ» (۶) خورشید هم نفع رسان است چگونه راه را از چاه تشخیص می‌دهید، به چه وسیله؟ اگر نور نباشد چطور؟ «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ». (۷) خداوند راه و چاه را به شما نمایانده و همگان را به پیمودن صراط مستقیم امر فرموده است. نور او بوسیله عقل «حجت درون» و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام «حجج برون» به انسان می‌رسد.

پس هادی بالذات و اول اوست، نفع رسانیش برای همه‌ی لایقان عالم است، و لذا محبوب هدایت یافتگان و روشن ضمیران است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خورشید آشکار هدایت که بایدها و نبایدها را از طرف خداوند برای مردم بیان داشت، صراط مستقیم و طریق ظلمت را معین نمود و صحرای خشک و خزان زده فکر و اندیشه بشر را، با باران رحمت آیات و آب حیات مواعظ و روایات، زندگی دوباره و جان تازه بخشید، نیز محبوب زنده دلان و پاک سیرتان است: پیامبری که بیشتر از همه‌ی انبیاء در راه بیداری مردم و سعادت جامعه‌ی بشری، رنج و شکنجه دیده و برای رضای محبوبش، خدای متعال صبر استقامت را پیشه ساخت. حبّ شیء مستلزم حبّ آثار شیء است انسان محبّ، خدا را برای نعم، خاصّه نعمت هدایتش دوست می‌دارد و پیامبر را به خاطر خدا و به جهت نفع رسانی، طهارت بخشی و نور افشانش محبّت می‌ورزد. سؤال این است، آنکه در نفع رسانی و حیات بخشی به جامعه بشری، کمالات و فضائل انسانی، نفس (خود) رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است، از محبت محبّان مستثنی است؟ راستی آیا کسی می‌تواند، پیامبر را دوست داشته باشد، ولی قلبش خالی از محبت علی علیه السلام باشد؟ اینچنین کسی در دوستیش دروغگو و کاذب است، زیرا روح و جان نبی و ولیّ، طبق آیه شریفه مباحله (۸) و روایات منقول از فریقین متحد و دوستی هر کدام مستلزم دوستی دیگری می‌باشد. شما را به خدا حدیث منقول از فریفتن «کتاب الله و عترتی» چه می‌گوید؟ کتاب الله یعنی کتاب خداوند، عترتی یعنی عترت من پیامبر، آیا کسی می‌تواند خدا را دوست داشته باشد ولی با کتابش بیگانه و مخالف باشد، ادعای دوستی با رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بکند و دوستی عترتش را نادیده بگیرد؟ دوستی عترت علیهم السلام چگونه تحقق می‌یابد؟ آیا مقدم داشتن مفضول بر فاضل، خانه نشین نمودن «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (۹) و شمشیر کشیدن بر اعلم امت و استاد فرشته و ملک، دوستی عترت علیهم السلام محسوب می‌شود؟ مگر حبّ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مستلزم حبّ آثار و وابستگی به آن حضرت نیست؟ پس چرا آثار و احادیث حیات بخش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم محو گردید، و بیان و نشر آن ممنوع اعلام شد؟ چرا هر چه در تاریخ اسلام می‌نگریم کمتر دوستی و دوست، نسبت به خاندان عصمت علیهم السلام پیدا می‌کنیم و بیشترین صفحات تاریخ را ستم در حقّ اهل بیت علیهم السلام پر کرده است؟ «مسلمانان این زمان باید پاسخگو باشند که چرا با یگانه وارث پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیگانه‌اند و نسبت به یاد او و اهداف مقدسش بی تفاوت می‌باشند؟ مگر اهل سنت به وجود و قیام و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بی عقیده‌اند؟ مگر احادیث حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بسیاری از صحابه مثل عثمان بن عفّان؛ طلحه بن عبیدالله؛ عبدالرحمن بن عوف؛ ابوهریره؛ عبدالله بن عمر؛ انس بن مالک و ... نقل نکرده و در کتابهای سنن مثل ابوداود؛ ترمذی؛ ابن ماجه و مسانیدی مثل مسند احمد و ... گزارش این موضوع مقدّس ثبت نشده است؟ «آقای خطیب جمعه، شما در مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم چرا در این موضوع سرنوشت ساز سخن نمی‌گوئید و با بیان احادیث المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از کتب خودتان، قلوب مسلمین را در برابر تهاجم دشمنان اسلام تسکین نمی‌دهید؟ مگر شما نباید دوستدار عترت باشید؟ و مگر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از عترت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نمی‌باشد ما نمی‌گوئیم سنی نباشید، اما آیا سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم دوستی به عترت علیهم السلام را درس نمی‌دهد؟ «ایدئولوگ مرام شما- ابن تیمیه- در کتاب فتاوایش» (۱۰) و بزرگان اهل سنت آیا احادیث قیام و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را متواتر و غیر قابل انکار معرفی نکرده‌اند؟ مگر ابو نعیم (صاحب کتاب اخبار المهدی) و ابن حجر هیثمی (صاحب کتاب القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر) از علماء شما نیستند؟ مگر رابطه العالم السلامی (حجاز) در جواب سؤال ابو محمد کنیائی مسأله‌ی قیام و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از اخبار متواتر معرفی نکرده است؟ (۱۱) به چه علت اگر شیعه‌ای محبت قلبی خودش را نسبت به عترت و (بقیه عترت)، بقیه الله «حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» بروز دهد و در فضای پر معنویت مسجد الحرام و مسجد النبی صبح جمعه‌ای به یاد آن یگانه مصلح جهان بشریت اظهار مودّت کند و دعای فرج آن حضرت را که

فرج و گشایش مؤمنین و آزادی مسلمین از اسارت کفار و مستکبرین است، بخواند، مشرک خوانده می‌شود و تحت محاکمه قرار می‌گیرد؟ راستی سرزنش کنندگان شیعه حدیث شریف نبوی: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً» (۱۲) را چه پاسخ می‌دهند؟ حدیث مذکور منقول از فریفتن است، و مدلولش اینست که در هر زمانی باید امام و رهبر الهی وجود داشته باشد، بنابر این امام و پیشوای زمان ما چه کسی می‌باشد؟ شما را به خدا از بحث فرار نکنید و مجادله به غیر علم ننمائید، امامی که عدم شناختش، کفر به حساب بیاید، یعنی افراد بی‌معرفت در حق او در صف کفار و مشرکین قرار گیرند، آیا می‌تواند حاکم غیر معصوم باشد؟ ما قائل به امامت آن آقائی هستیم که، سنتش سنت نبوی است، و انبیاء به ظهورش بشارت داده و حکومتش را مظهر قسط و عدل و آئینه ایزد نمائی معرفی کرده‌اند.

محور محبتها

برادری و اخوت مسلمین باید بر اساس محور محبت خداوند و اولیاء او برقرار باشد، در تفسیر آیه شریفه: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (۱۳) مفسرین شیعه و اهل سنت روایاتی نقل کرده‌اند مبنی بر اینکه حبل‌الله حضرت علی علیه السلام می‌باشد. (۱۴) حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «بِنَا يُضِي بِحُورٍ إِخْوَانًا بَعْدَ ضَلَالَةِ الْفِتْنَةِ كَمَا بِنَا أَصْبَحُوا إِخْوَانًا بَعْدَ ضَلَالَةِ الشُّرُوكِ» (۱۵) یعنی: به وسیله‌ی ما مردم بعد از گمراهی فتنه، به برادری روی می‌آوردند همان طور که به وسیله‌ی ما پس از گمراهی شرک، برادر شدند. در حدیث کمی تدبیر نمائید، نمی‌فرماید «بی» یعنی به وسیله من، می‌فرماید «بنا» یعنی به وسیله ما پس محور برادری، دوستی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام ایشان است، احترام و تعظیم مقام بالا- و والای ایشان است. اخوت شیعه و دوستی و محبت گرم آنان با یکدیگر، به محبت آنان نسبت به رهبران معصوم بر می‌گردد. امروز نقطه اصلی مودتها و کانون مرکزی و اساسی محبت‌های مؤمنین نسبت به یکدیگر قالب عالم هستی، حضرت ولی الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشند. کسانی که خواهان تألیف قلوبند و شعار وحدت سر می‌دهند باید جامعه مسلمین «اعم از اهل سنت و شیعه» را به این نقطه اصلی و محور اساسی؛ یعنی وجود مطهر و منور و مقدس حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ توجه داده با بیان آیاتی که در مورد آن جناب است، تشریح روایاتی که «فریقین» درباره‌ی آن حضرت نقل کرده‌اند و بیان وظائف در زمان غیبت، افکار را به این باب بزرگ الهی سوق دهند. در دعای ندبه می‌خوانیم: «أَيُّنَ مُؤَلَّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا» کجاست آقائی که پراکندگی در امور دین و صلاح و رضای مؤمنین را جمع می‌کنند؟ راستی چه سعادت‌مند هستند مردمی که به ولی خداوند و وارث انبیاء و ائمه طاهرین علیهم السلام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مودت و دوستی ورزیده و در نتیجه این حب، صفات محبوب را پیدا کرده‌اند مگر نه اینست که بر دوستی آثاری مترتب است، از جمله اینکه محب صفات محبوب را به خود می‌گیرد. و این خود دلیلی دیگر بر لزوم ترویج و تبلیغ حب ولی خدا در جامعه انسانی است. دلسوزان جامعه، معلمان و مربیان، کسانی که علیه انحطاط فرهنگی و تهاجم فکری قدم برداشته، دنبال پیشگیری و یا درمان مفاصد اجتماعی می‌باشند، باید تابلوهای تقوی و فضیلت، جوانمردی و عدالت را که در زندگی اهل‌البیت علیهم السلام وجود دارد به نمایش گذاشته، حیات سرتاسر نورانی و اهداف مقدس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به تمام زبانهای جهان ترجمه نموده، مبلغ دوستی مصلح بشریت بشوند. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دوست داشتنی‌اند، زندگی زیبایی دارند، اهداف والا و حیات بخشی دارند مگر می‌شود کسی ایشان را بشناسد و زیبایی صورت و سیرتشان را ببیند ولی دوستشان نداشته باشد؟ آنقدر در وجود مطهرشان برای انسانهای لایق؛ جاذبه وجود دارد که در زمان غیبت، دوستداران، ایشان را نادیده خریدارند و بر پیروی آن جناب کمر همت بسته‌اند. جاذبه وجود مطهر خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله و سلم را در تاریخ خوانده‌اید؟ آن طور که از اویس قرنی با اینکه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را رؤیت ننموده، محب دلباخته و پیرو استواری ساخته بود. همین جاذبه در وجود خاتم الاوصیاء وجود دارد، شما که از تهاجم

فرهنگی و تلاش شرق و غرب در ترویج فساد گله و شکایت دارید چرا از جاذبه‌های الهی حضرت مهدی عج نمی‌گویید و نمی‌نویسید، چرا نسل جوان را به معرفت و شناخت صاحب اسلام و صاحب زمان نزدیک نمی‌کنید؟ تشکیل کلاس شناخت آن بزرگوار، نقل تشرفات معتبر و بیان دستگیری و عنایات حضرت، ترویج مراسم ندبه و اشک در فراق آن جناب، مس وجود آدمی را مبدل به زر ناب می‌سازد و جوان طاغی و گمشده‌ی راه را، خاضع و متقی می‌نماید. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم خریداران ولایت آن حضرت را به شگفتی ایمان، عظمت یقین وصف فرموده است... «إِنَّ أَعْجَبَ النَّاسِ إِيْمَانًا وَأَعْظَمَهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَ حَجَبَتْهُمْ الْحُجَّةُ، فَمَا تَمْنُوا بِسَوَادٍ بِيَاضٍ» (۱۶) یعنی: شگفت‌انگیزترین مردم از نظر ایمان و بزرگترین آنها از نظر یقین کسانی هستند که در آخرالزمان زندگی می‌کنند و با اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را ندیده و حجت الهی هم از دیدگان آنها غایب است، ولی ایمان دارند به آنچه در کتب نوشته شده است. شگفتی ایمان این مردان الهی در آخرالزمان به اینست که تبلیغات مسموم و تهاجم فرهنگی دشمنان در اعتقاداتشان اثر نمی‌گذارد، و دل به آیات قرآن و روایات معتبره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و عترت ایشان علیهم داده، تسلیم قوانین و مقررات دین می‌باشند. و این در حالی است که محبوبان الهی را با چشم ظاهر ندیده و جمال نورانی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حجت الهی علیه السلام را ظاهراً مشاهده ننموده‌اند. اما در واقع با تقوای جوارحی و قلبی که داشته‌اند، و در اثر مطالعه و تفکر در آثار و احادیث اهل بیت علیهم و چشیدن شیرینی ذکر و نام آن بزرگواران و شرکت در مجالسشان و در سایه خدمت در راه دوست و دفاع از حریم محبوب الهی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بصیرت و بینائی یافته، نادیده را با چشم دل دیده‌اند و دل به او داده‌اند. به همین جهت، از این گروه پایدار در دین و استوار در ولایت محبوب، پیشوایان معصوم علیهم قدردانی نموده، جایگاه آنان را رفیع دانسته‌اند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: یا ابابصیر: طُوبَى لِمَنْ يَلْبَسُ عِلْمًا قَائِمًا فِي ظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَالْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ، أُولَئِكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ». (۱۷) ای ابابصیر: خوش به حال شیعیان قائم ما، آنها که در زمان غیبت، انتظار او را می‌کشند، و زمان ظهور، فرمان آن حضرت را می‌برند، آنها اولیاء خداوند که خوفی بر آنها نیست، و اندوهی ندارند. و این مقام و بلندی نام که امام صادق علیه السلام توصیف می‌فرمایند، نشأت گرفته از معرفت و شناختی است که شیعیان در زمان غیبت نسبت به امامشان کسب می‌کنند. پس همه به پیش، بسوی کسب معرفت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، تشکیل مجامع بزرگ و کنفرانسهای عظیم برای شناساندن آن وجود مطهر به تشنگان صلح و طالبان سعادت در همه جای دنیا، بیائید همه بلندگوی فضائل و کمالات آن آقای دوست داشتنی شده، صورت و سیرت آن بزرگوار را از آینه قرآن و روایات معتبره به نسل جوان و همه لایقان جهان نشان دهیم. شخص حضرتش غایب است چون شخصیت او ناشناخته و برای غالب افراد نامعلوم است. سبب غیبت او ابرهای جهل و نادانی است که بر فکر و اندیشه انسانها نشسته و آنها را از دیدار خورشید باز داشته است. منتظران ظهور و طالبان نور آنهايي هستند که با تلاش پیگیر و فعالیت فراوان در زدودن ابر نادانی جامعه نسبت به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌کوشند و در تمسک به حبل ولایت، ابراز دوستی نسبت به پیشوایان هدایت و برائت از اعداء و عترت علیهم می‌خورشند. از امام هفتم علیه السلام نقل شده که فرمود: «طُوبَى لِمَنْ يَلْبَسُ عِلْمًا قَائِمًا فِي ظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَائِمًا فِي ظُهُورِهِ عَلَى مَوَالِينَا وَالْبِرَائَةِ مِنْ أَعْدَائِنَا، أُولَئِكَ مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ» (۱۸) خوشا به حال شیعیان ما، آنها که در زمان غیبت قائم ما متمسک به حبل ولایت ما می‌باشند و در دوستی ما و دشمنی با اعداء ما استوار و ثابت قدمند، آنها از ما هستند و ما از آنها می‌باشیم. رمز این محبت، جاذبه الهی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، عارفان به آن حضرت، متنعم به این جاذبه‌اند، و در امواج خروشان این کشش غرقند، برای همین سر از پا نمی‌شناسند و سرفرازیشان در سربازی نمودن است، خدمت در راه دوست، یاری به وابستگان و دوستان دوست، کارشان می‌باشد. دل جز ره عشق تو نپوید هرگز جز محنت و درد تو نجوید هرگز صحرای دلم عشق تو شورستان کرد تا مهر کسی دگر نروید هرگز بر همه مصلحین جامعه و خیرخواهان امت اسلامی لازم است با مجاهده دائمی و با گامهای استوار، ابر جهالت را از افکار انسانها

برداشته، آنان را با خورشید پنهان و آب حیات دوران، یگانه منتقم سیده بانوان جهان، یادگار قتال کننده بر تأویل و باطن قرآن، مصلح جهان بشری از نسل امیرمؤمنان علیه السلام، بهترین فرزند رسولان و فرزند بهترین رسولان، امام انس و جان زیبا ربیع الانام و نَصْرَةَ الْآيَاتِ، حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف آشنا سازند، که آشنائی با آن مبدأ زیباییها و محبت آفرین است و محبت حلال مشکلهاست. تمت

اثر برگزیده (۲) نوید پیامبران بر مصلح آخر الزمان

دیدگاه ادیان و مکاتب پیرامون حضرت بقیة الله الاعظم عجل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَالَ اللَّهُ الْحَكِيمُ: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (۱۹) این آیه و آیات متعدد دیگر، بشارتی است برای مستضعفین و عباد شایسته‌ی خداوند، بر اینکه حکومت واحده‌ی جهانی در آینده به دست شایسته‌ترین بندگان الهی بر پا می‌شود. امام باقر علیه السلام ذیل این آیه‌ی شریفه می‌فرماید: «هُم أَصْحَابُ الْمَهْدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ». (۲۰) یعنی: «عباد شایسته‌ای که حکومت داران تمام زمین خواهند شد، اصحاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخر زمان می‌باشند». البته باور این معنا، که حق به حقدار می‌رسد و حکومت به صاحبان اصلیش بر می‌گردد، برای مستکبرین و ستمکاران مشکل، بلکه محال به نظر می‌رسد. لذا قرآن می‌فرماید: «إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ» (۲۱) یعنی: «درک این مطلب، برای بندگان شایسته امکان دارد، آنها همواره در نماز و راز و نیازشان از خداوند متعال ظهور منجی جهانی را خواستار بوده‌اند، و به حکومت‌های طاغوت ستمگر دل نداده، ولایت آنها را نپذیرفته‌اند».

حکومت واحده‌ی جهانی

انبیاء و سفیران الهی تشکیل حکومت جهانی و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نوید و بشارت داده‌اند. تحقق این بشارت تنها راه علاج دردها و مشکل بشر، و یگانه طریق رسیدن به کمال انسانی است. حتی اندیشمندان و فلاسفه هم برای یک جامعه‌ی منظم جهانی، پیشنهاد وضع یک قانون جهانی را داده‌اند. مثلاً کانت (Kant) فیلسوف آلمانی (۱۸۰۴-۱۷۲۴) می‌گوید: «ایجاد نظم جهانی بستگی به وضع یک قانون همگانی و جهانی دارد». انتظار این مطلب که جامعه‌ی انسانی بسوی قانونمندی جهانی گام بردارد حتی در گفتار و حرکت‌های غیر الهی هم یافت می‌شود. به تعبیر دیگر سیستم‌های بشری نیز با ادیان الهی، در این انتظار شریک می‌باشند. به گفته‌ی راسل (Rasel) فیلسوف و نویسنده‌ی معروف انگلیسی «انتظار مارکس - پایه گذار فلسفه‌ی مارکسیسم - همان انتظار مسیحیان برای رجعت مسیح است». (۲۲) البته انتظار این گروه بر اساس هوی پرستی و رفاه طلبی مادی بنا شده و با انتظار مؤمنان به مکتب انبیاء فرق می‌کند. به هر حال با مطالعه در زندگی اقوام بشر و دقت در گفتار سران مذاهبها و مسلک‌های مختلف در می‌یابیم که اعتقاد به یک منجی بزرگ، اعتقادی رایج و مشترک در بین انسانها بوده است. گلدزیهر خاورشناس یهودی می‌گوید: «اعتقاد به بازگشت و ظهور منجی موعود، اختصاص به اسلام ندارد... افکار مشابهی را می‌توان در میان اقوام دیگری نیز به فراوانی یافت. بنا بر اعتقاد هندوایسم «ویشنو در حالی که بر اسبی سفید سوار است و شمشیری از شعله‌ی آتش در دست دارد، در پایان دوره‌ی کنونی جهان، به عنوان کال کی ظاهر خواهد شد... در میان اقوام شرقی و غربی حتی در میان سرخ پوستان آمریکا پندارهای مشابهی درباره‌ی بازگشت یا ظهور منجی موعود پدید آمده است. (۲۳) اصولاً فتوریسم (۲۴) یعنی اعتقاد به دوره‌ی آخرالزمان، و انتظار ظهور منجی جهانی، عقیده‌ای است که در کیشهای آسمانی، یهودیت (جودائیسیم)، و زرتشتی (زور استریانیسم) و مسیحیت (در سه مذهب عمده‌ی آن: کاتولیک، پروتستان و ارتدوکس)، و مدعیان نبوت عموماً، و دین

مقدس اسلام خصوصاً به مثابه‌ی یک اصل مسلم قبول شده است. و درباره‌ی آن در مباحث تئولوژیک مذاهب و آئینهای آسمانی، رشته‌ی تئولوژی بیبلیکال، کاملاً شرح و بسط داده شده است. (۲۵)

بعثت پیامبر اسلام صل

مطلب لازمی که اینجا باید یادآوری شود این است که پیامبران قبل، از جمله حضرت مسیح علیه السلام مبشر بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بوده‌اند. کلمه‌ی «فارقلیط» Paraqilit که معرب کلمه‌ی یونانی پاراکلتوس Parakletos و به معنای تسلی دهنده و راحت آور آمده است، نام مقدسی است که مصداق واقعی آن رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد. مرحوم علامه سید احمد علوی (صهر محقق بزرگ مرحوم میرداماد) در کتاب «مصلح صفا» که در ردّ مبلغ مسیحی «پادری» نوشته و با متن سخنرانی تقریظ مانند آقای پروفیسور (هانری کربن محقق معروف فرانسوی) اخیراً چاپ شده است که از کلمه‌ی «فارقلیط» که در انجیل آمده است (۲۶) و کلمه (مادماد) که در تورات از او ذکری به میان آمده، استدلال می‌نماید به اینکه این دو پیامبر عظیم‌الشأن موسی و عیسی علیهما السلام پیروان خود را به بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بشارت داده‌اند. (۲۷) ایشان در این تحقیق عالمانه از عبارتی که از تورات نقل می‌کند در مورد امامت ائمه‌ی اثنی عشر علیهم السلام نیز نتیجه‌گیری می‌نماید. (۲۸)

امید به آینده‌ی درخشان

امید به فردای سعادت بخش و عقیده به آینده‌ی درخشان باعث ادامه‌ی حیات فرد و جامعه است. مردمی که به یأس و ناامیدی کشیده شوند، با زندگی سعادت‌مندانه بیگانه می‌گردند. با همین هدف، در تهاجم فرهنگی علیه ملت‌های ضعیف ولی امیدوار، دشمن به گفتار یأس آور و تکذیب انبیاء و اوصیاء که پیام آوران امید می‌باشند، می‌پردازد و مردم را به حیرت و در نتیجه گمراهی می‌کشانند. همانطور که در زمان غیبت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سران حکومت‌های طاغوتی و استثمارگران جهانی با تبلیغات مصلحین دروغین همت گمارده، امید و انتظار توده‌های محروم و مستضعف را به یأس و ناامیدی می‌کشانند، اینان به وسیله‌ی وعده‌های دروغین و جعل مسلک‌های سست و بی محتوا، مردم را در مورد حقایق الهی و واقعیت‌های آسمانی به تردید می‌اندازند. وقتی مردم ناآگاه به کذب وعده‌های اصلاحگران ساخته‌ی استعمار واقف شدند و فریب نیرنگ مهدی نمایان قلابی برایشان آشکار شد، به اصل دین و مذهب و انتظار مصلح واقعی شک می‌کنند و به مسیر یأس و ناامیدی کشیده می‌شوند. برای همین در اخبار پیشوایان معصوم علیهم السلام وارد شده که به مدعیان تشرف (۲۹) توجه نکنید و برای ظهور حضرت، وقت تعیین ننمائید. (۳۰) در حدیث امام جواد علیه السلام است که سرگردانی و حیرت پیش می‌آید، اگر برای این امر وقتی معین شود، دلها را قساوت می‌گیرد و مردمان از اسلام برمی‌گردند، ولی گفته‌اند: چه زود است چه نزدیک است، (این گفتار برای امید دادن به مردم است تا دل مردم آرامش پیدا کند و فرج برسد) (۳۱) یعنی باید جامعه مأیوس و مضطرب نباشد، با امید و آرامش پیش برود، کار و فعالیت و سازندگی درونی و بیرونی داشته باشد، پر تحرک و استوار به مسؤولیتها و وظائف عمل نماید. و اینست معنای انتظار فرج که برترین عبادتها به شمار آمده است.

نوید پیامبران بر مصلح آخرالزمان

گفتیم پیامبران الهی از جمله حضرت مسیح علیه السلام، بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را به امتشان بشارت داده‌اند و ادامه دهنده‌ی راه آن حضرت یعنی وجود مطهر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز ظهورش مورد توجه انبیاء علیهم

السلام به ویژه حضرت عیسی علیه السلام بوده و از ناحیه‌ی آنها بر حکومت واحده‌ی جهانی آن حضرت بشاراتی به پیروانش رسیده است.

روایات اسلامی ما

قبل از اینکه از انجیل مطلبی در این باره نقل کنیم، سه روایت اسلامی را مورد توجه قرار می‌دهیم. ۱- رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «مِنَّا الَّذِي يُصَلِّي عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ خَلْفَهُ» (۳۲) «از ما است آن کسی که عیسی بن مریم علیهما السلام پشت سر او نماز می‌خواند». ۲- و نیز می‌فرماید: «سوگند به خدا به یقین پسر مریم به عنوان داوری عادل در میان شما نازل می‌شود، و او پشت سر مهدی نماز می‌گذارد». (۳۳) ۳- امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «حتماً عیسی علیه السلام پیش از رسیدن قیامت به این جهان می‌آید (تا آنجا که می‌فرماید): او پشت سر مهدی علیه السلام نماز می‌خواند». (۳۴) انجیل چه می‌گوید...؟ «بعد دیدم آسمان باز شد و یک اسب سفید در آنجا بود و یک نفر سوار اسب بود که اسمش «امین و حق» بود و روی سرش تاجهای فراوان وجود داشت، بر پیشانی‌اش اسمی نوشته بود که فقط خودش معنی آن را می‌دانست، لباس او غرق خون بود او را «کلمه‌ی خدا» می‌نامید. لشکر آسمانی او با لباس لطیف کتانی سفید و پاکیزه، سوار بر اسب‌های سفید به دنبال او می‌آمدند. در دهان خود شمشیری تیز داشت تا با آن به ملت‌های بی ایمان ضربه بزند. او با عصای آهنی بر آنها سلطنت خواهد کرد». (۳۵) البته عبارتهای کتب آسمانی بخصوص انجیل درباره‌ی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فراوان است محققین را به مطالعه‌ی کتاب ارزنده‌ی «عبقری الحسان»: آیه‌الله نهانندی قدس جلد اول صفحات ۱۸-۲۱-۳۱-۳۵ و کتاب ارزشمند «نوائب الدهور» نوشته‌ی آیه‌الله میرجهانی قدس جلد چهارم صفحات ۲۹۸ الی ۳۱۹ و کتاب ارزنده‌ی «لوامع ربّانی» نوشته‌ی علامه میر سید احمد علوم قدس که در این مورد به راهنمایی پرداخته، دعوت می‌نمائیم. شباهت حضرت مهدی به حضرت عیسی بن مریم علیهم السلام: در خاتمه به شباهتهای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حضرت عیسی علیه السلام اشاره می‌گردد: امید است بر معرفت همه‌ی پیروان انبیاء و طرفداران شرایع آسمانی افزوده شود و همگان برای برپائی حکومت واحده‌ی جهانی لیاقت سربازی پیدا کنیم. ۱- مادر حضرت عیسی علیهما السلام بهترین زنان زمانش می‌باشد، مادر حضرت مهدی علیهما السلام نیز همینطور و جدّه‌اش بهترین زنان عالمیان است. ۲- حضرت عیسی علیه السلام در شکم مادر تکلم فرمود، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز همینطور. ۳- حضرت عیسی علیه السلام در گهواره سخن گفت، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز همینطور. ۴- حضرت عیسی علیه السلام در کودکی حکمت و خصائص نبوت را در یافت، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در کودکی، مسئولیت امامت را بر عهد گرفت. ۵- حضرت عیسی علیه السلام غایب گردید، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز همینطور. ۶- در حیات و ممات حضرت عیسی علیه السلام مردم اختلاف کردند، در تولد، حیات ممات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز همینطور. ۷- حضرت عیسی علیه السلام به امر خداوند مرده زنده می‌کرد و اعجاز داشت، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز ولایت تکوینیّه دارد و شفا می‌دهد و مرده زنده می‌کند، از این بالاتر زنده نمودن دلها و قلوب مردم است که خداوند به وسیله او: «يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» (۳۶)

اثر برگزیده (۳) پرتو نور هو@ اشراق نور رب

پیرامون میعاد ظهور و نور افشانی حضرت بقیة الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ این سطور را در بیمارستان فیض اصفهان در پاسخ یک دانشجوی زیدی مذهب اهل کشور یمن نوشته‌ام.

سؤال او در مورد بداء بود که: آیا بداء در مسأله‌ی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف راه دارد؟ و نیز سؤال می‌نمود که بداء در مورد اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام به چه معنائی می‌باشد؟ پاسخ را بحول الله و قوته آغاز می‌کنم: ابتداء باید معنای بداء را فهمید، لذا مختصراً می‌گوییم: مردم فکر می‌کنند کاری مورد تقدیر خداوند است و انجام می‌گیرد، اما انجام نمی‌گیرد، معلوم می‌شود این کار اصلاً تقدیر نبوده و خداوند انجام آنرا اراده نکرده، مردم فکر می‌کرده‌اند تقدیر و مورد نظر خداوند بوده است، این معنی اجمالی بداء است. آقایان علماء از جمله مرحوم میرداماد قدس در «نبراس الضیاء» و مرحوم علامه‌ی مجلسی قدس در «بحارالانوار» این مسأله را خوب بحث کرده‌اند. مخالفین می‌گویند: شیعه به بداء معتقد است و می‌گوید: خداوند پشیمان می‌شود و کاری را که اراده کرده، از انجامش بر می‌گردد، این تهمت به شیعه است، شیعه خداوند را فراموشکار و یا پشیمانکار نمی‌داند. همانطور که گفتیم، بداء به این معنی است که کاری را انسان گمان می‌کند، انجام می‌گیرد و خداوند انجامش را خواسته است ولی بعد معلوم می‌شود که این طور نبوده و مقدّر نبوده و از اول خداوند نمی‌خواسته است. رعد و برقی می‌آید و مردم گمان می‌کنند الان باران می‌بارد، در حالیکه خبری از بارش نمی‌شود، اگر کسی بگوید خداوند پشیمان شده، بیجا و ناسزا گفته است بلکه باید بگوید ما گمان می‌کردیم باران می‌بارد، ولی خداوند اراده نکرده بود. شیعه بداء را به این معنی بیان می‌دارد و نسبت فراموشی و پشیمانی به خداوند متعال نمی‌دهد. اما سؤال در مورد اسماعیل فرزند امام صادق علیه‌السلام اجمالاً پاسخ این است که مردم گمان می‌کردند که اسماعیل جانشین بعد از امام صادق علیه السلام است، یعنی خداوند اراده کرده او امام باشد، و این خیال و گمان بود و خداوند متعال این مطلب را اراده نکرده بود بلکه خواست خداوند متعال، ولایت امام موسی بن جعفر علیهما السلام بود. و روایاتی هم که در باب قیم شدن اسماعیل و یا امامت او داریم، مقابل روایات متواتر که تعیین اوصیاء علیهم السلام نموده، دوام و قدرتی ندارند و مردودند. اما در مورد علامات ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و موارد مشابه آن، ممکن است بعضی مسائل و علامات به نحو حتم نباشد، یا روایت ضعیف باشد و مردم حتم بگیرند و گمان کنند خواست خداوند است، در حالیکه مورد اراده خداوند نبوده و انجام هم نمی‌گیرد. ولی اصل وجود حضرت و غیبت ایشان و ظهور نورانی آن جناب و علامتهای حتمیه‌ی ظهور، خیالبافی و ساخت فکر انسانها نیست، و مسأله‌ی مذهبی هم نیست که فقط شیعه و علماء امامیه گفته باشند و روایاتش را نقل کرده باشند، بلکه مسأله‌ی اسلامی و الهیه است، یعنی همه‌ی علماء اسلام، اعم از شیعه و سنی در این رابطه سخن گفته‌اند و روایات متواتری را از رسول خدا صلی نقل نموده‌اند. اهل سنت کتابهای زیادی در این باره نوشته‌اند، بلکه مکتبهای الهی و آسمانی از ظهور آن جناب خبر داده‌اند و در تورات و انجیل و زبور و ... بشارتهایی در این مورد وجود دارد. نویدهای مصلح غیبی از زبان پیامبران اولوالعزم علیهم السلام به ما رسیده است و حداقل ۶۰ قرن (۶۰۰۰ سال) این نویدها دست به دست هم گشته و امروز بدست ما رسیده است. سالم ماندن این نویدها در طول قرون متمادی، بر اهمیت موضوع افزوده و مسأله را برای ما قطعی تر نموده است. (۳۷) پس در مورد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ظهور ایشان، بداء معنی ندارد، تولد ایشان که واقع شده و اخبار غیبت و ظهور آن حضرت، متواتر است و صدها کتاب در این موضوع نوشته شده و آیات و روایات در این باب فراوان است. از جمله: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ» (۳۸ ...) این آیه در مورد حکومت الهیه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است و می‌فرماید: ما این مسأله را در زبور بیان داشتیم بعد از آنکه در تورات گفتیم. «وَأُتِرِدُ أَنْ مِّنْ عَلَيَّ الَّذِينَ» (۳۹ ...) و این آیه هم درباره‌ی حکومت مقدسه‌ی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد. «سَيُنزِّلُهُمُ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ» (۴۰ ...) تحقق این معنی که مردم به عالیترین درجه کمال و معرفه‌الله برسند، در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است (۴۱)، عقلها طبق روایات کامل می‌گردد و برهان «ان» ، از مخلوق به خالق رسیدن و توجه به بنای هستی داشتن، براحتی بدون دردسر و مناظره و جدل انجام می‌گیرد و قلوب، خزانشان از بین می‌رود و بهار دلها آشکار می‌شود (کما اینکه در زیارت حضرت، همین معنا وارد شده است). در نتیجه بصیرت الهیه پیدا می‌گردد و قبل از نگاه به مخلوق، انسان خالق را با دیده‌ی دل می‌بینید و برهان «لَم»

تحقق پیدا می‌کند. بصیرت الهیه در زمان غیبت هم برای انسان متقی ممکن است پیدا بشود و آن هم در سایه‌ی لطف آن حضرت است که: «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» (۴۲) عنایت آن حضرت در زمان غیبت تابش نور «هو» است که تشنگان معرفت را دستگیری می‌نماید و آنان را از دستگیری ادعائی اقطاب و خرقة پوشان صوفیه «خذلهم الله تعالی» بی‌نیاز می‌نماید. حکومت نورانی حضرت و ظهور الهی آن جناب، چراغ راه عارفان و حق‌شناسان است. «وَبِكَ عَرَفْتِكَ» و «يَا مَنْ دَلَّ عَلَى ذَاتِهِ بِذَاتِهِ» (آفتاب آمد دلیل آفتاب) «أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ» (... ۴۳) در زمان ظهورش که تجلی نور رب است، «أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» (۴۴) تحت نظر و عنایت آشکار آن جناب، تحقق کامل پیدا می‌کند. پس آیه‌ی «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» و آیه: «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» از آیات مهدویتند و نورافشانی غائبانه و اشراق آشکارانه‌ی نورالله را بیان می‌دارند. و این برای همگان مقدور نیست، ایسمی‌ها که بر اساس هوس، مکتب باز می‌کنند و از مکتب انبیاء و ائمه علیهم السلام دور افتاده‌اند و صوفیها که مردود پیشوایان می‌باشند راهی به نور او در زمان غیبت و نور ربّ در زمان ظهور ندارند. ادعاهای روشنفکری دسته‌ی اول و های و هوی مستانه‌ی دسته‌ی دوم، مانع فیض بردن آنها از «رَبِّعَ الْقُلُوبِ وَ نَصْرَةَ الْأَيَّامِ» است. دگراندیشان و کسانی که احکام‌الله را تغییر می‌دهند و طراحان صراطهای شیطانی و طرفداران مباحیگری و بی‌قیدی و هوهو کنان وادی تصوف و درویشگری، هرگز هرگز نه از (نور هو) در زمان غیبت و نه از (نور رب) در زمان ظهور، نمی‌توانند استفاده نمایند، و در قیامت هم گویای: «أَنْظُرُونَا نَقْتَبِسُ مِنْ نُورِكُمْ» (... ۴۵) می‌باشند. غیر از قرآن و آیات آسمانی که در باب غیبت و ظهور آن سرور عزیز و امام عالی مقام فراوان است، روایات شیعه و سنی به حد تواتر و فوق آن در این باب، مبشّر و امید دهنده می‌باشند. حتی متعصب‌ترین اهل سنت (وهابیون) که با شیعه دل خوشی ندارند، قائل به وجود و ظهور آن جناب هستند و روایات مهدویت را متواتر می‌دانند.

یک مدرک زنده

حدود دو سال قبل شخصی بنام ابو محمد از کشور کنیا، درباره‌ی ظهور مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف از مرکز «رابطة العالم الاسلامی» که از منتفدترین مراکز مذهبی حجاز و مکه است، سؤال کرده است. دبیر کل رابطه، محمد صالح القزاز در پاسخی که برای او فرستاده است ضمن تصریح به اینکه «ابن تیمیه» مؤسس مذهب وهابیان نیز احادیث مربوط به ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را پذیرفته، متن رساله‌ی کوتاهی را که پنج تن از علمای معروف فعلی حجاز در این زمینه تهیه کرده‌اند، برای او ارسال داشته است. در این رساله پس از ذکر نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و محل ظهور او یعنی مکه چنین می‌خوانیم: «به هنگام ظهور فساد در جهان و انتشار کفر و ستم خداوند به وسیله‌ی او (مهدی)، جهان را پر از عدل و داد می‌کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است. او آخرین خلفای راشدین دوازده گانه است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خبر از آنها را در کتب صحاح داده است. احادیث مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بسیاری از صحابه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده‌اند، از جمله: عثمان بن عفّان، علی بن ابیطالب، طلحه بن عبیدالله، عبد الرحمن بن عوف، عبدالله بن عباس، عمّار یاسر، عبدالله بن مسعود، ابو سعید خدری، ثوبان، قره بن اساس مزنی، عبدالله بن حارث، ابوهریره، حذیفه بن یمان، جابر بن عبدالله، ابو امامه، جابر بن ماجد، عبدالله بن عمر، انس بن مالک، عمر بن حصین و امّ سلمه. اینها بیست نفر از کسانی هستند که روایات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نقل کرده‌اند و غیر از آنها افراد زیاد دیگری نیز وجود دارند». (۴۶) به تعبیر مرجع عالیقدر حضرت آیه‌الله العظمی صافی گلپایگانی که خداوند سلامتشان بدارد، عقیده به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و غیبت و ظهورشان، اصالت قرآنی و روائی و تاریخی دارد. بر خلاف نظر بعضی روشنفکر نماهای وطنی که مسأله‌ی مهدویت را افسانه انگاشته‌اند، این مسأله، اصالت الهی و آسمانی داشته و مستند به دهها آیه‌ی قرآنی و صدها روایت معتبر است. طائفه‌ی منکرین، انکارشان از سر عناد و دشمنی با آل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. آنها از این که حضرت مهدی عجل الله

تعالی فرجه الشریف به عنوان یک فرد هاشمی، فاطمی، علوی و حسینی مطرح می‌شود و لقب منتقم خون مظلومان و قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف را به خود اختصاص می‌دهد، و به نام «الطَّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَا» خوانده می‌شود، ناراحتند و با انکار موضوع مهدویت و وجود مطهر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌خواهند افتخار بزرگی را از اهل‌البت علیهم السلام سلب نمایند. بنابراین مسأله‌ی بداء در این موضوع راه نداشته و چون وعده‌ی آسمانی و بشارت الهی است، خلف پذیر نیست و برگشت ندارد. در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است که ظهور حضرت قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف از میعاد است یعنی از وعده‌های حتمی خداوند که خلف در آن راه ندارد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ» (۴۷) خداوند در وعده‌های خود خلف نمی‌کند. این سطور را به مودت مولایم حضرت بقیة‌الله، منتقم و قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف در سی سی یو بیمارستان فیض اصفهان روز ۲۸ / ۱۱ / ۱۳۷۷ نوشتم. حوصله‌ی زیاد نداشته و از کتابخانه و مدارک فراوان دور بودم، خدا کند با ظهور مبارکش مظلومان و محرومان جهان را از کفر و شرک و ستم و نفاق، خلاص نماید و فریاد مقدس «جاء الحقّ و زهق الباطل» در گوش شیفتگان نور و منتظران ظهور، طنین انداز گردد.

اثر برگزیده (۴) اشک جوان بر امیر زمان

پیرامون ارتباط جوان، با بهار آفرین دلهای خزان حضرت بقیة‌الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ برادر پرهیزکارم آقای دکتر گلشاهی و پزشک بیمارستان فیض دستور دادند یکی دو شب دیگر تحت مراقبت باشم. حال چون شب جمعه فرا می‌رسد دوست دارم در مورد مولایمان مطالبی را یادآور شوم و در این خلوت، بیاد او اشک فراق بریزم که: «أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَا» (۴۸)

آینه‌ی خدا نما

فکر می‌کردم عظمت و اهمیت هر علمی به بزرگی و اهمیت موضوعش بستگی دارد. لذا معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و آگاهی به فضائل و شئون آن جناب، ضمن این که کار لازمی است، بسیار بزرگ و با اهمیت است. اعمال صالحه بر محور معرفت امام دور می‌زند، او را که بشناسی و دوست بداری، می‌فهمی او چه می‌خواهد و چه چیز مطلوب آن جناب است. سلمان و اباذر چون شناختند و ایمان داشتند موفق به انجام صالحات شدند. «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» (... ۴۹) امام میزان‌الاعمال است، ملاک و معیار است و معرفت او مشخص خوبیها و صالحات می‌باشد. اعمال سرخودی بدون بخشنامه و دستور امام، صالحات شمرده نمی‌شود، اثر و ثمری ندارد. سیئات هم بر همین میزان معلوم می‌شود، کاری که رضایت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را به دنبال نداشته باشد، و حضرتش را ناخشنود نماید. قرآن کریم می‌فرماید: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (۵۰) بعد از امر به اطاعت خداوند متعال و رسول گرامی او، فرمان می‌دهد از اولی‌الامر پیروی نمائیم. با توجه به آیه‌ی شریفه، در می‌یابیم پیروی از اولی‌الامر، یعنی ائمه علیهم السلام، مطلقاً واجب است، بر خلاف مجتهدان در زمان غیبت که مشروط به عدالت داشتن آنان می‌باشد. اینکه اطاعت اولی‌الامر در ردیف و عرض اطاعت خدا و رسول صلی الله علیه و آله و سلم آمده، و مطلق هم بیان شده، می‌یابیم آنان معصوم می‌باشند. امر و نهی معصوم علیه السلام به طور یقین امر و نهی خدا و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است و ما در این موضوع به دلایل مختلف از جمله همین آیه‌ی شریفه، تصویبی می‌باشیم. (۵۱) پس میزان صالحات و سیئات، امام علیه السلام است. تأیید و امضاء او صلاحیت را می‌رساند و رد و تکذیب او انحراف از حق و فساد را ثابت می‌نماید. برای شناخت صالحات و سیئات، خیرات و شرور باید میزان و شاقول را بشناسیم

و با دستور و فرمان الهی او حرکت کنیم و یا از حرکت باز بایستیم. دخالت در احکام‌الله و تغییر حدود و مرزهای الهی، نادیده گرفتن امر و نهی اولی الامر، با تشیع یعنی مکتب پیروی، مخالف می‌باشد. قیاسی فکر کردن و به تراوش فکر غیر معصوم بدون استناد به قول معصوم به عنوان میزان و قانون بها دادن، نهایت تجزّی و جسارت را ثابت نموده، بی ادبی در برابر حقّ را می‌رساند. مکتب تشیع با روش نان به نرخ روز خوردن، مخالف است و متأخر و متقدم از اولی الامر را محکوم می‌نماید. در این مکتب نه طرفداران خلفاء جور راه دارند و نه طبقات صوفیه بهره‌ای، اولی از رهبر الهی عقب افتاده و دومی از امام زمانش جلوتر به حرکت در آمده است. بیماری که در مجاورت من در بیمارستان فیض خوابیده است اظهار تشنگی و عطش می‌نماید. تازه از عمل جراحی در آمده و نیمه هوش است. به بستگانش پرخاش می‌کند که آب می‌خواهم ولی پزشک دستور داده آب، حتی به مقدار کم هم به او ندهند. به پرخاش و تندی او افزوده می‌شود، شنیدم به دخترش با صدای ضعیفی می‌گفت: کافر چرا به من آب نمی‌دهی؟! طیب حاذق روی علم و آگاهی امر کرده عوض آب و غذا به این بیمار سِرْم بزنند تا کمبود مواد غذایی را از این طریق جبران نمایند. ولی او چه می‌داند؟ از طبّ چه خبر دارد؟ باید‌ها و نباید‌ها را چه می‌شناسد؟ اصلاً بیهوش است، مصلحت یا مفسده سرش نمی‌شود. این مثل آنهاییست که حبّ دنیا هوش از سرشان برده ولی خود را هوشمند می‌دانند و دخالت در امر و نهی پیشوایان دینی و ائمه‌ی معصومین علیهم السلام می‌نمایند. بیچاره از ظاهر و باطن، صورت و سیرت انسان بی‌خبر مانده و این موجود ناشناخته را شناخته انگاشته، می‌خواهد برای او قانون بتراشد و حکم صادر نماید. امام به علم الهی انسان شناس است و بر همین اساس قانون شناس و آمر و ناهی است، طیبی حاذق و دلسوز است، که امر و نهی برای کمال آدمی مطلوب و باید مسموع واقع گردد. پس لزوم شناخت امام از این طریق معلوم می‌گردد که برای شناخت تکالیف باید مکلف و پیشوای الهی را بشناسیم. مطالب دیگر: شناخت خداوند متعال است که وظیفه و اصل و هدف خلقت است. چگونه او را بشناسیم؟ نگاه به آینه‌ی خدانمائی کنید، مظهر حق و نمایش دهنده علم و قدرت و غناء حقّ را بشناسید. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نماینده‌ی خداوند متعال هستند، و شناخت ایشان باب معرفه الله است. «مَنْ أَرَادَ اللَّهَ يَدَهُ بِكُمْ» نماینده‌ی غیبت حقّ و کرم و رأفت او در بین خلق، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشند. غائب است اما کرم می‌کند و به خلق عنایت می‌فرماید. این تذهبون؟ چرا بیراهه می‌روید؟ نماینده‌ی حقّ را چرا تنها می‌گذارید؟ جوانان! نوجوانان! شما چرا اینگونه با امام زمانتان بی‌وفائی می‌کنید؟ چرا به جای نگاه به آینه‌ی نور به تابلوهای ظلمت چشم دوخته، اسم‌ها و اقطاب تاریکی را استاد می‌گیرید؟ آیا شده است یک روز به غریبی ولی عصرتان اندیشه کنید و او را در برابر تهاجم فرهنگی دوران یاری نمائید؟ آیا می‌دانید قلمها به جای مسلسل‌ها علیه تشیع و اسلام و اهل‌البیت علیهم السلام بکار رفته و بیگانه زدگان با ادعای روشنفکری تیشه به ریشه‌ی فرهنگ نورانی قرآن و عترت می‌زنند؟ چرا از سربازی فرار می‌کنید؟ مگر نمی‌دانید سربازی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سرفرازی و عزّت دنیا و آخرت است؟ چرا فرزندان علماء و سادات هم بعضاً توفیق سربازی ندارند؟ آیا می‌دانید امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با کمی سرباز و قلت کمک کار روبرو می‌باشند؟ دنیا در حال حاضر خواهان است مکتب اهل‌البیت علیهم السلام یعنی تشیع را بشناسد، نزدیکترین نقطه به ایران تا دورترین نقطه، طبق اطلاع خواستار مبلغ می‌باشند ولی کدام جوان جوانمردی است که به هوسها پشت پا بزند و به افتخار سربازی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نائل گردد و صدای مظلومیت فرزندان فاطمه علیهم السلام را به گوش ملت‌های شرق و غرب برساند؟ سؤالات و شبهات دوست و دشمن در موضوعات مختلف دینی و مذهبی، سرازیر جامعه و حوزه‌های علمیه‌ی ما شده است. اندیشمندان دنیا چشم به راه تلاش پیگیر شیعه برای نشان دادن مکتب اهل‌بیت علیهم السلام می‌باشند. رو آوردن غیر مسلمانها به اسلام و مکتب اهل‌البیت علیهم السلام و تشنگی آنها نسبت به فهم مسائل اسلامی، لزوم تقویت جبهه‌ی سربازان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را صد چندان نموده است، ولی کدام شیعه‌ی متمکن و توانمندی است که حداقل از سهم خود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، برای تقویت جبهه‌ی آن حضرت یاری رساند؟ و جوانان پاک‌طینت، پاکیزه نیت و سرباز،

که با زرق و برق دنیا وداع کرده‌اند را به ادامه‌ی راه تشویق و ترغیب نماید؟ و کدام شیعه‌ی توانمندی است که خوش استعدادترین و با تقواترین فرزند خویش را برای سربازی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف انتخاب کرده و تأمین احتیاجات او نماید؟ جوانان و نوجوانان! خدا را شاهد می‌گیرم با ناامیدی که از بعض طبقات مردم دارم، به شما امیدوار هستم، برای همین مورد خطاب قرارتان می‌دهم. چرا به آینه‌ی خدانمائی نگاه نمی‌کنید؟ آنها که دیده‌اند می‌گویند چه زیباست؛ چرا زیبا نباشد؟ مگر آن چه خوبان همه دارند از زیبایی‌ها، او تنها ندارد؟ چرا زیبا نباشد؟ او مبدأ زیبایی‌ها است. زیبا است و زیباها را دوست می‌دارد. زیبا تقوائی و ایمانی، پیشگاه او مقام و منزلت دارد. بیائید هر طور شده و به هر وسیله به وجه‌الله، نماینده‌ی حق، آینه‌ی خدانمائی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نزدیک شویم و غم دل آن عزیز را بزدائیم نه بر غمش بیفزائیم. او که فرمود ما شما را فراموش نمی‌کنیم پس چرا ما او فراموش می‌کنیم؟ مگر او ولیّ نعمت ما نیست، مگر ما سر سفره‌ی اطعام او نیستیم، مگر ما از خودمان چیزی داریم؟ چه زیبا است، کار جوانی که در بین مکتبها، مکتب او را برگزیند و در بین رهبران، رهبری او را انتخاب نماید. چه زیباست اشک جوان در هجر امیر زمان و یار محرومان، آن هنگام که دعای فرج، ندبه و زیارت مولا می‌خواند و فریاد صادقانه‌ی یابن‌الحسن سر می‌دهد. چه زبینه است جوانی که به سربازی مولای مظلوم و غریب، یگانه غوث و فریادرس، درآید و بهترین بهار زندگی را صرف بهترین انسان و برترین پیشوا نماید. خدا شاهد است از روی عقیده و اخلاص می‌نویسم و غیر از وصیت شخصی که نوشته‌ام این وصیت و سفارش عمومی است که از باب اداء وظیفه می‌نگارم. باید بهترین فصل زندگی صرف بهترین راه بشود، بهترین راه کسب معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و سربازی آن جناب است. حداقل در رشته و کاری که دارید سربازی را فراموش نکنید، در مدرسه و دانشگاه، در اداره و ارگان، در بازار و خیابان، هر کجا هستید آمر به معروف و ناهی از منکر باشید. خصوصاً از انحرافات عقیدتی جلوگیری نموده با منحرفین از ولایت اهل‌البیت علیهم السلام و شاگردان ابن تیمیّه و محمد بن عبدالوهاب، اسلام بافهای متجدّد و دگراندیشان متکبر به مقابله فرهنگی و فکری برخیزید. اگر قدرت و توان مقابله ندارید در فکر کسب آن باشید. مطالعه کنید، سؤال نمائید، کلاس امام‌شناسی و معارف ببینید، با مراکز فکری و فرهنگی در خط ولایت ارتباط داشته باشید و آنها را تقویت نمایید. خاتمه در خاتمه از یادگار آل‌یس، سبط خیرالمرسلین، گرامی فرزند امیرالمؤمنین، منتقم خون سیده‌ی نساء عالمین، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، خواهانم بر خادمین درگاه و این عبد روسیاه و غلام بی‌پناه، نگاهی همراه با تبسّم رضایت فرمایند. ۱۳۷۷ / ۱۱ / ۲۹

اثر برگزیده (۵) امام زمان نشاط بخش روزگاران

(علت انحطاط مسلمین، دوری از نشاط بخش قلوب مؤمنین)

(حضرت بقیّه‌الله الاعظم) عجل الله تعالی فرجه الشریف بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ بِمِمْ وَعَيْنٍ وَفَاءٍ وَحَائِنٍ عَجَّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ (۵۲) خدای متعال را سپاس که باز مورد لطف ناصرین حضرت بقیّه‌الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گرفته و مأمور به نوشتن مقاله‌ای پیرامون آن وجود مطهر شدم. امید است خدمات خالصانه ایشان مورد نظر بهار آفرین دل‌های لایق و نشاط بخش قلوب مؤمنین گردد. در یکی از سخنرانیها که اخیراً در اصفهان داشتم، دعوت کنندگان موضوع صبحت را بحث پیرامون ولایت و رهبری حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار داده بودند. یکی از مستمعین آن مجلس نورانی به مدرسه و کتابخانه‌ی تخصصی ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مراجعه نموده و پرسید شما غیر از بحث ولایت چیزی نمیدانید یا نمی‌خواهید غیر از این بحث، به بحث‌های دیگر مذهبی پردازید؟ به چه دلیل و برای چه این موضوع پافشاری می‌کنید و غالباً از ولایت سخن می‌گوئید؟ گفتم: اولاً، بحث ولایت و امامت دینی است و بالاترین بخش عقائد اسلامی را تشکیل می‌دهد. آیات قرآن و روایات

رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم در اهمیت این موضوع فراوان است و رهبری اهل بیت علیهم السلام ستون و علت مبقیه‌ی دین می‌باشد یعنی در واقع قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر این موضوع پافشاری دارند و بشر را به شناخت و پیروی ائمه‌ی نور علیهم السلام امر و توصیه می‌فرمایند. از دید گاه امامیه «شیعه» که از قرآن و سنت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم اتخاذ شده است امامت ادامه‌ی راه انبیاء و امام مبین و حافظ قرآن و معلم و مربی جامعه بشریت است. حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیهما السلام می‌فرمایند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي قَدْ بَنَيْتُ لَكُمْ الْمَوَاعِظَ الَّتِي وَعَظَ بِهَا الْأَنْبِيَاءُ أُمَّمَهُمْ» (۵۳) یعنی ای مردم، من به شما پندهائی دادم که پیامبران امت‌های خود را (به همان پندها) موعظه نموده و پند داده‌اند. گروه‌های مخالف به امامت به چشم حقارت نگریسته و گفته‌اند: مقتضی نصب امام، اقامه حدود، مواظبت مرزها و تجهیز لشکر برای جهاد و امور متعلقه حفظ نظام است و این کارها عصمت امام را لازم ندارد. (۵۴) ولی ما بدلیل اهمیتی که برای امامت قائل هستیم عصمت را در امام شرط می‌دانیم و اعتقاد به امام معصوم را شرط کمال (۵۵) و وسیله قرب به خداوند متعال می‌شناسیم. (۵۶) اینجا مستمع به سخن در آمد و گفت: آیا بهتر نبود شما عوض سخن از ولایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در مورد علل انحطاط مسلمین صحبت می‌نمودید و خطوط انحرافی که از طرف استعمار برای شکست مسلمین ترسیم شده است را آشکار می‌ساختید؟ گفتیم: سؤالتان بنده را وا می‌دارد باز سخن از ولایت بگویم و در عظمت رهبری اهل البیت علیهم السلام صحبت نموده به شما بفهمانم، انحطاط مسلمین علت اصلیش دوری از ولایت ائمه‌ی نور علیهم السلام و مریبان منتخب خداوند است.

شناخت امام

امام در قرآن، ذکر الله و ذکر ربّ معرفی شده است که اعراض از او معیشت ضنک و زندگی پر مشقّت را به دنبال دارد. توضیح اینکه؛ ذکر الله در آیه شریفه: «فَاسْعُوا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ» (۵۷) باطناً به مولای موحدان امام علی علیه السلام نظر داشته و آیه شریفه: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي» (۵۸) و آیه شریفه: «وَمَنْ يُعْرِضْ عَن ذِكْرِ رَبِّي» (۵۹) نیز حتّی به قول اهل سنت به اعراض کنندگان از ولایت آن جناب توجه می‌دهد. امام همچون سوره‌ی توحید؛ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»؛ شناسنامه خداوند است، هر که او را بشناسد به شناخت خداوند راه پیدا می‌کند، او در بین مخلوق احد و یگانه است، در فضائل انسانی و کمالات نفسانی دومی ندارد و بی‌نیاز از قدرت انس و جان و غیرهما، هیچ کس نمی‌تواند در حکومت وی شرکت و در ولایت او همتائی کند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مثل علی بن ابی طالب علیهما السلام در این امت مثلّ قول هو الله احد در قرآن است. (۶۰) امام نور است که در آیه شریفه: «فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا» (... ۶۱) دستور اعتقاد به ولایت او آمده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: نور (ولایت) از خداوند متعال، اول در وجود من و سپس در علی علیه السلام و سپس در نسل او تا قائم المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گرفته است. (۶۲) خداوند متعال در آیه شریفه ۱۵۷- سوره اعراف «سَمَتَ نَورٍ مُّنزَلٍ رَا بَه اِمَامٍ دَادَه اِسْت وَ مُؤْمِنَانِ وَ تَعْظِيمِ كُنُنْدِ كَانِ وَ نَاصِرِينَ رَسَالَتِ مُحَمَّدِي صَلَّي اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَمٍ وَ پيروان ولایت علوی علیه السلام را رستگاران شمرده است. (۶۳) صراط حقیقت پل بزرگی که روی جهنم است و همگان باید از آن عبور کنند، چه می‌باشد؟ آیا شما از آن خبر دارید؟ شما را به خدا فکر بکنید، بعضی مانند برق جهنده از روی آن عبور می‌کنند و به سعادت می‌رسند. «يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ» (... ۶۴) و بعضی در اثر سختی راه و نداشتن نور به دست و پا زدن و کمک خواهی مبتلا می‌شوند. اینها کیانند؟ منافقون و منافقات؟ می‌گویند ما به ناداری گرفتاریم، ناداری نور ولایت، ما در دنیا با علی و اولاد طاهرين او عليهم السلام بیگانه بودیم منافقانه عمل می‌کردیم، به عاملین تهاجم فرهنگی (استعمار شرق و غرب) کمک می‌نمودیم، ناصرین حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف و مدافعین حریم ولایت را می‌شکستیم، حالا قیامت شده و ما بیچاره گشته‌ایم، برای حرکت روی صراط نور می‌خواهیم، شما که مؤمن هستید و نور ولایت دارید به ما نظر کنید تا از نور شما استفاده نموده، صراط را طی

کنیم. پاسخ داده می‌شود به دنیا بر گردید و از آنجا نور بیاورید: «قِيلَ اَرْجِعُوا وَرَائِكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا» (۶۵) ما این نور را از دنیا آورده‌ایم، در متجر اولیاء، تجارت خانه‌ی مقربان، ما کمک کار ولایت و از اعوان و انصار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بودیم، با انحراف مخالفان قرآن و عترت علیهم السلام مقابله می‌نمودیم. پس شناخت امام و دوستی او نور است که باعث حرکت سریع مؤمنین و ناصرین دین بر روی صراط می‌گردد. حاکم حسکانی حنفی نقل کرده: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «نورانی ترین شما در قیامت شیفته‌ترین شما نسبت به آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است» (۶۶) در مورد آیه‌ی شریفه اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ؛ مفسرین شیعه و بسیاری از علماء اهل سنت با استفاده از روایات بیان داشته‌اند که صراط مستقیم، طریق و راه آل محمد علیهم السلام می‌باشد. (۶۷) امام صادق علیه السلام فرمود: صراط، دو صراط است؛ صراط دنیا که آن معرفت امام و حجت خداست، کسی که امام را بشناسد و از او پیروی کند از صراط آخرت می‌گذرد، و کسی که او را نشناسد، قدمش می‌لغزد و به آتش می‌افتد. (۶۸) راستی آیا آیه‌ی: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ» (۶۹ ...) را خوانده‌اید و تدبّر کرده‌اید؟ شواهد التنزیل که مصنفش سنی است درباره نور در این آیه از قول ابن عباس و جابر چه گفته است؟ برای شما خلاصه می‌گویم، نوری که باعث حرکت انسان بر روی صراط می‌شود نور اعتقاد به ولایت علی علیه السلام است. (۷۰) و همگان باید در راه کسب این نور بیش از بیش بکوشیم بعضی خفاش صفت از نور ولایت گریزانند و از بیان آیه نور و منطق نوریان کراهت دارند، چون دزد عقیده‌اند از چراغ می‌ترسند و با مصایح هدایت می‌ستیزند. برای همین قرآن می‌فرماید: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أُنزَلَ اللَّهُ» (۷۱ ...) امام باقر علیه السلام در توضیح این آیه ارشاد می‌کنند: (یعنی از آنچه در بیان عظمت نور ولایت علی علیه السلام نازل شده، کراهت دارند). (۷۲) از همه محروم‌تر خفاش بود کو عدوی آفتاب فاش بود روز خفاشک نمی‌تاند پرید شب در آید همچو دزدان عنید نیست خفاشک عدوی آفتاب او عدوی خویش آمد در حجاب اشاره کردم که خفاشان از آیه‌ی نور کراهت دارند، مگر آیه نور مبین چه مطلبی می‌باشد؟ جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: در مسجد کوفه وارد شدم، علی علیه السلام را متبسم یافتم. علت تبسم شما چیست؟ فرمود: عجب دارم از کسی که این آیه را می‌خواند اما حق معرفت آن را ندارد. یا امیرالمؤمنین کدام آیه را می‌فرمائید؟ فرمود: قول خدای متعال «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ»؛ «... مشکوه» محمد است، مصباح» من هستم، «زجاجه» (اول) حسن علیه السلام است، «زجاجه» (دوم) حسین علیه السلام است، «کوکب درّی»، علی بن حسین علیهما السلام، «یوقد من شجرة مبارکه»؛ محمد بن علی علیهما السلام، زیتونه» جعفر بن محمد علیهما السلام، «لا شرقیه»؛ موسی بن جعفر علیهما السلام، «لا غربیه»؛ علی بن موسی علیهما السلام، «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضَيءُ»؛ محمد بن علی علیهما السلام، «لو تمسسه نار»؛ علی بن محمد علیهما السلام، «نور علی نور»؛ حسن بن علی علیهما السلام، «یهدی الله لنوره من یشاء»؛ «القائم المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد. (۷۳) در هر حال به آقای مستمع «اشکال کننده به بحث درباره‌ی ولایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف گفتم و به همه اشکال کنندگان و سنگ‌اندازان می‌گویم، چرا سیری در سوره‌ی بزرگ «عصر» نمی‌کنید و تدبیری حکیمانه نمی‌نمائید تا علت انحطاط مسلمین را در یابید؟ خداوند می‌فرماید: «قسم به عصاره هستی، خلاصه وجود، انسان کامل، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که انسان در خسران و زیانکاری است» چرا چنین است؟ چون او با امام زمانشان فاصله گرفته، از ذکر پروردگار و صراط مستقیم «ولایت اهل‌البیت علیهم السلام اعراض نموده است. مگر نمی‌گوئید با وجود قرآن و قوانین درخشان اسلام باید مسلمین رستگار می‌شدند و در طول تاریخ از نظر علمی و عملی بر بیگانگان شرق و غرب سبقت و پیشی می‌گرفتند. ولی چرا؟ ولی چرا سمت استادی به دست دیگران افتاده و بیگانه با همه مفاسدش به جامعه اسلامی از نظر دانش مباهات می‌کند و عزت اولیه مسلمین از دست رفته، سربلندی با آنان خداحافظی کرده است؟ می‌گویم مروری محققانه بر تاریخ داشته باشید، ببینید جامعه اسلامی از بعد وفات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم تا امروز با علت فلاح و رستگاری اهل‌البیت علیهم السلام چه کردند و چگونه «أَدْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً» (۷۴) «و رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» (۷۵) را نادیده گرفته، تابلوی

دانشگاه «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ» (۷۶) را شکستند؟ راستی آیا به آیه شریفه‌ی «وَ اذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا». (۷۷) فکر کرده‌اید؟ می‌فرماید: مردم را به حج دعوت کن تا مردم پیش تو آیند. کسی که حج می‌رود و مناسک را انجام می‌دهد، باید دلش و روحش پیش امام و حجت حق باشد. طواف و سعی و ... همه درست، اما روح این برنامه‌ها و شرط قبولیش توجه به ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و قطب عالم هستی است. در حدیث امام باقر علیه السلام است که فرمود: «اتِمَامُ الْحَجِّ لِقَاءُ الْإِمَامِ» یعنی: تکمیل حج آن است که انسان امام را ملاقات نماید. (۷۸) کسی که در دانشگاه تربیتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نام نویسی کند، دل و جانش پیشگاه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد و روحش بر کعبه وجود او طواف نماید، نماز و طوافش قبول و به فلاح و رستگاری می‌رسد «مَنْ آتَاكُمْ نَجِيًّا» و کسی که اعراض از او (که ذکر ربّ و صراط مستقیم است) بنماید و با ولایتش پرورش دل و جان ندهد، باید با شقاوت و بدبختی دست و پنجه نرم نموده، فردا پاسخگوی «مَا سَلَكَكُمْ فِي سَفَرٍ» (۷۹) باشد. کعبه آن سنگ نشانی است که ره گم نشود حاجی احرام دگر بند بین یار کجاست امروز مسلمین باید با نور قرآن و ولّی انس و جان، حجت یگانه دوران، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف روح خود را پرورش داده، عوض پناه بردن به روشهای طاغوتی و سر سپردن به قطب‌های دروغین پناه به «مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ» (۸۰) و صاحب ضیاء و نور، آقای منتظران ظهور ببرند. تو گفتی چرا مسلمین به انحطاط کشیده شده، با عزّت و عظمت خداحافظی کرده‌اند؟ می‌گویم چون گویندگان توحید با وارث ابوتراب «پدر خاک» (۸۱) مبدأ برکات «الْأَرْضِ الْبَسِيطَةِ» (۸۲) خداحافظی کرده، «فَأَنْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ» (۸۳) را بفروشی سپردند. توّقع دارید کسانی که مشکاه را بخاطر مصباح جسارت کردند و از بحرین (۸۴) فاصله گرفته، ماء معین (۸۵) و بئر معطله (۸۶) یعنی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را ترک گفتند به سعادت برسند؟ انتظار دارید قدر ناشناسان لؤلؤ و مرجان (حسن و حسین) و وارث آن دو بزرگوار «امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف» کسانی که «وَقَفُوهُمْ أَنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» (۸۷) را نادیده گرفته، کمک کننده جمعیت «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ» (۸۸) شدند به خوشبختی نائل گردند؟ خواهانید، کسانی که «كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (۸۹) را از سر فصل کتاب حیاتشان حذف کرده، و «لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (۹۰) را خط بطلان کشیده، به مبارزه با جزء اخیر از علّت تامه‌ی سعادت، یعنی ولایت، برخاسته‌اند به رستگاری دست یابند؟ و چرا خود شما هم با اینان رفیق راه گشته، اعوان و انصار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را زمان غربت قرآن و دین، تنها و غریب می‌گذارید؟ شما در مورد مسافرت از شهری به شهر دیگر به دنبال دلیل، راهنما و راننده می‌گردید، راننده‌ای که هوشیار و رهشناس باشد، چرا در مورد سفر به سوی خدا و سیر الی الله از راهنمای معصوم علیه السلام گریزانید؟ راستی، رانندگی فکرتان را به چه کسی می‌دهید؟ حیات طیبه را از که می‌جوئید؟ سعادت را از چه کسی طالب هستید؟ علم و نورانیت را از کدام کلاس برداشت می‌کنید؟ آیا شما «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» (۹۱) را خوانده‌اید؟ چه می‌گویم؟ علم و نورانیت، مگر مخالفین ولایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف علم و نورانیت دارند مگر خفاش صفتان و روباها پیشگان از الفبای سعادت و خوشبختی با خبرند؟ فاقد شیء که نمی‌تواند معطی شیء باشد. «أَيُّنَ تَذْهَبُونَ»، کجا می‌روید؟ علم و نورانیت اینجاست، کمال و معرفت اینجاست، فلاح و رستگاری اینجاست «إِنْ ذُكِرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ» ... در شأن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و آباء ایشان است، رَبِيعَ الْأَنَامِ (بهار قلوب مردم) وَ نَضْرَةَ الْأَيَّامِ (نشاط روزگاران) (۹۲) فقط در مورد آن وجود مطهر، صادق است. «أَيُّنَ تَذْهَبُونَ»، کجا می‌روید؟ هرزه مگردید، بیراهه نروید، دستور از غیر مجوئید، سراغ معارف از بیگانه نگیرید. (۹۳) راستی شما محکومیت‌ها و نمره‌های صفر در زندگی مادّی و معنوی را. پای چه کسی می‌نویسید؟ انحطاط و عقب گرد مسلمین را به حساب چه گروهی واریز می‌کنید؟ اشتباه می‌کنید «اسلام به ذات خود ندارد عیبی». حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مرشد واقعی خلق و هادی به سوی سعادت و خوشبختی می‌باشند، مکتب ولایت الفبای کمال و رستگاری را تا آخر برای بشر ترسیم نموده است. علت بدبختی‌ها و نابسامانیهای مسلمین، ابتلاء به زندگی سخت و سرانجام افتادن به سقر، اینست که آنان در مسابقه‌ی حیات یابی و حرکت به سوی بارگاه الهی بدنبال «سابق» (۹۴) برنده‌ی شماره‌ی

اول به تعبیر بهتر، یگانه برنده، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حرکت نکرده، خود را در شمار «مصلین» (۹۵) برندگان شماره‌ی دو قرار نداده، هوچیگری و هواخواهی، متابعت از ایسم‌های زمانه، طرفداری از روشنفکرانهای دردانه را شعار خود ساختند. اَللّٰهُمَّ غَيِّرْ سُوءَ حَالِنَا بِحَسَنِ حَالِكَ وَ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ بِمِيمٍ، عَيْنٍ، حَائِنٍ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ

اثر برگزیده (۶) مهدی قطب جهان هستی

(پیرامون معرفت‌یابی و عوامل شناخت)

(حضرت بقیه‌الله الاعظم) عجل الله تعالی فرجه الشریف بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین سیما بقیه‌الله فی الارضین و لعنة الله علی اعدائهم اجمعین حدیث معروفی است که شما هم شاید، آن را حفظ داشته باشید، پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مَنْ مَاتَ وَ لَمْ یَعْرِفْ اِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِیْتَةً جَاهِلِیَّةً (۹۶) کسی که بدون معرفت و شناخت امام زمانش بمیرد، به مرگ جاهلیت مرده است. مطلوب این حدیث جای سؤال است که منظور از معرفت و شناخت امام زمان چیست؟ و چگونه کسب می‌شود و بدست می‌آید؟ آیا شناخت امام، شناسائی نام پدر و مادر و وابستگان ایشان و دانستن تاریخ تولد و مدت زندگانی و محل زندگی ایشان است؟ یا معنای دیگری دارد؟ البته باید نام پدر و مادر امام و مسائل تاریخی مربوط به ایشان را بدانیم، ولی مطلوب حدیث (من مات) ... بالاتر و برتر از این است. اگر کسی مثلاً تاریخ تولد حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و محل تولد ایشان را ندانست و مرگ سراغش آمد، آیا مرگش مرگ جاهلیت است؟ در حالی که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را پیشوای دوازدهم و حجت غائب خدا و ولی دوران و امام زمان می‌دانسته و به حقانیت ایشان و آباء طاهیرین ایشان معتقد بوده و آن بزرگواران را دارای علم و قدرت الهی و خدادادی می‌شناخته است. یقیناً این شخص بدلیل ندانستن تاریخ تولد و محل تولد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مؤاخذه نمی‌شود و مرگش مرگ جاهلیت به حساب نمی‌آید. زیرا همانطور که گفته شده اولاً: حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و آباء آن بزرگوار را امام و پیشوای الهی می‌دانسته و به حقانیتشان معتقد بوده یعنی در حقیقت به ولایت تشریحیه اهلبیت علیهم السلام ایمان داشته و ثانیاً: آن بزرگواران را دارای علم و قدرت الهی و خدادادی می‌شناخته و در واقع به ولایت تکوینیه اعتقاد داشته است. پس مطلوب حدیث مذکور، شناخت مقام، شأن امام، بزرگی و عظمت او، و اعتراف به حقانیت و فضیلت او می‌باشد.

راه معرفت‌یابی

و اما این معرفت چگونه کسب می‌شود و بدست می‌آید؟ همانطور که خودشان فرموده‌اند: «فِیْهِمْ کَرَامَةُ الْقُرْآنِ» (۹۷) بهترین مأخذ امام شناسی قرآن کریم است. آیاتی که در مورد عموم ائمه علیهم السلام و به خصوص حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن داریم کم نیستند. چرا در مورد امام شناسی به کتاب خالق رجوع نمی‌نمائیم و با مطالعه کتب مخلوق که بعضاً بوی روشنفکر مآبی می‌دهد، خود را سرگردان می‌کنیم؟ مأخذ دیگر در شناخت امام، روایات معتبره از رسول گرامی و ائمه‌ی معصومین علیهم السلام است. وقتی معصوم می‌فرماید: ما چنان و چنین هستیم، علم ما، قدرت ما، مقام ما، شأن ما اینطور است، با عصمتی که برای او قائلیم، گفتارش برای ما مبنا و مدرک می‌باشد، دیگر نباید منتظر بنشینیم که فلان دانشمند نما این مطلب را قبول دارد یا نه. تذکر این نکته لازم است که باید برای فهم آیات قرآنی از روایات معتبره کمک بگیریم و برای تشخیص روایات معتبره از علماء ربانی و محدثین ولایی یاری بجوئیم. البته تنها با مطالعه آیات الولایه، و دقت در احادیث این موضوع، کار به نتیجه نمی‌رسد. بر طرف کردن موانع معرفت‌کسانی را می‌شناسیم، که حافظ قرآن بوده‌اند، و هنگام نزول آیات الولایه حضور داشته‌اند و مثلاً خطبه

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در غدیر خم را شنیده‌اند، اما از معرفت واقعی و شناخت حقیقی، بهره‌ای نبرده‌اند. چرا؟ چون معرفت و شناخت امام علیه السلام نور است، و این نور از عالم بالا باید به قلب انسان برسد، وقتی مانع سر راهش باشد، چگونه می‌رسد؟ مانع تابش نور خدائی به قلب انسان چیست؟ باید بدانیم صفات رذیله، اخلاق بد، اعمال ناروا، هوا پرستی، مانع این نور می‌باشد. امام صادق علیه السلام در حدیث عنوان بصری می‌فرماید: «زمانی که این نور را بخواهی (یعنی اگر بخواهی) و در طلبش باشی باید دنبال بندگی واقعی بروی و اهل عمل بشوی و از خداوند متعال هم درخواست نمائی» (۹۸) معرفت یابی، مطالعه آیات و توجه به روایات را می‌طلبد ولی از همه بالاتر قلب لایق و جایگاهی پاکیزه می‌خواهد. آیا شما آب زلال و پاکیزه را در ظرف کثیف و آلوده جای می‌دهید؟ معرفت آب حیات است، آب حیات با قلب آلوده، دل تاریک و فرسوده چه مناسبتی دارد؟ این مطلب برای همگان بخصوص نسل جوان مفید است که بدانند: تقوا داشتن و شستن دل و جان با معرفت و شناخت واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پیوند ناگسستنی دارد. قرآن می‌فرماید: یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین (۹۹) یعنی: ای مؤمنان تقوای الهی پیشه کنید، خانه دل را جاروب کنید، و با صادقین همراه باشید. معیت صادقین که آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشند. (۱۰۰) یعنی شناخت و معرفتشان، بدست نمی‌آید مگر برای کسانی که (اتقوا الله = تقوای الهی داشته باشید) را رعایت کرده باشند. بگذر از قومی که مباحیگری را رواج می‌دهند و با شعار (برو قلبت را صاف کن) نماز و روزه را استهزاء می‌کنند و با این حال خراب، مدعی بالاترین درجه حبّ و شناخت علی و آل اویند. صاف کردن قلب که مقدمه معرفت یابی و بودن با صادقین است، عمل به واجبات و ترک محرمات (یعنی تقوی) می‌خواهد، توجه به نماز و روزه و فرائض دینی لازم دارد. گاهی با خواندن این آیه به فکر فرو می‌روم، ما که معیت و همراه بودن با حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را ادعا می‌کنیم، تا چه اندازه به سفارش اول «اتقوا الله» عمل کرده‌ایم؟ داستان سید موسی زرآبادی حقیر داستان این سید بزرگوار و صاحب کرامت را در کتاب (اشک خونین) از کتاب اجساد جاویدان آورده‌ام و اینجا هم نقل می‌کنم: ایشان در اثر بعضی از ریاضتها به جائی می‌رسد که پرده‌ها و حجاب‌ها از جلو چشمش برداشته می‌شود، به او گفته می‌شود: اگر می‌خواهی به مقامات بالاتر برسی، باید ترک اعمال ظاهری بنمائی!! می‌فرماید: این اعمال ظاهری با دلائل قطعی و براهین مسلم شرعی به ما ثابت شده است، من هرگز تا زنده‌ام آنها را ترک نخواهم کرد. گفته شد: در این صورت همه‌ی آنچه که به شما داده شده، از شما سلب خواهد شد. می‌فرماید: به جهنم. در این هنگام حالات شبه عرفانی که برای فریفتن اشخاص ساده اندیش و بی ظرفیت گاهی دست می‌دهد، از ایشان سلب می‌گردد. ایشان می‌فرماید: «متوجه شدم که شیطان از این اعمال ظاهری ما با آن همه نقصی که دارد، شدیداً در رنج و عذاب است، لذا تصمیم گرفتم که با تمام قدرت به اعمال مستحبی روی بیاورم و در حد توان چیزی از مستحبات را ترک نکنم. از فضل پروردگار در پرتو التزام به شرع مبین، حالاتی به من دست داد که حالات پیشین در برابر آن ناچیز بود». (۱۰۱) آری همگان به ویژه نسل جوان باید خدمت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف متعهد گردیم، از التزام به شرع مبین و عمل به واجبات دین، دست برداریم و محرمات الهی را ترک کنیم و بدانیم، پرداختن به گناه و معاصی با توجیهات شیطانی، خواسته استعمارگران و ایادی آنها مانند احزاب سیاسی و ارتدادی بابت و بهائیت می‌باشد.

بندگان شایسته

خدای متعال در آیه‌ی شریفه‌ی «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ» (۱۰۲) به عباد شایسته نظر دارد، و حکومت زمین را حق حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که مصداق واقعی بنده‌ی صالح است، می‌داند. آیه‌ی بعد از این آیه می‌فرماید: «إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عَابِدِينَ» (۱۰۳). یعنی: درک این معنی که حکومت از آن بندگان شایسته است و رسیدن به این مطلب که در آینده، حاکم علی الاطلاق جهان حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد، مخصوص گروه عابدین است. هم امام، بنده‌ی شایسته و

شایسته‌ترین بندگان است، هم مأمومین قوم عابدین هستند و در مسیر بندگی قدم بر می‌دارند. امیدواریم با بندگی و عبودیت و ترک گناه و معصیت، جزء قوم عابدین گشته، در مسابقه‌ی امام شناسی برنده شویم.

ادب در برابر امام

ادب در برابر حجت خداوند باعث می‌شود، نور معرفت بر قلب انسان بتابد و آدمی به مدرسه‌ی عرفان واقعی راه یابد. آیا داستان حزن بن یزید ریاحی را خوانده‌اید که در مقابل امام حسین علیه السلام ادب به خرج داد، آن وقت نور معرفت به قلبش تابید. وقتی مانع حرکت امام حسین علیه السلام شد، حضرت فرمود: «مادرت به عزایت بنشیند از ما چه می‌خواهی؟» حُر گفت: اگر کسی غیر از شما نام مادرم را می‌برد، متعزّض می‌شدم و جواب او را به همان نحو می‌دادم، (یعنی اسم مادرش را می‌بردم) اما در حق مادر تو به غیر از احترام و تعظیم، سخنی نمی‌توانم داشته باشم (۱۰۴). یعنی: مادر، شما حضرت صدیق‌ه‌ی کبری، فاطمه‌ی زهرا علیها است، من درباره‌ی او و شما تقوی زبان را رعایت می‌کنم، ادب را مراعات می‌نمایم، و پاسخ شما را نمی‌گویم. خدا می‌داند، این تقوی چه اندازه جناب حُر را ترقی داد و بالا برد. معیت روحانی واقعی با امام زمانش پیدا کرد و نور معرفت در اثر کنار رفتن پرده‌ی تاریک غرور و خود خواهی به قلبش تابید. چون کنترل نفس پیدا کرد و جهاد اکبر نمود (لطف) «لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (۱۰۵) شامل حالش شد و به وسیله‌ی نور امام شناسی از مرگ جاهلی نجات یافت. تو خود حدیث مفصل بخوان در این مجمل تو که سر جنگ با امام زمان نداری، و بحمدالله دوست حضرتی، اگر تقوا را فراموش نکنی، و دنبال گناه نروی، و با افراد منحرف نشینی، اهل نماز و طاعت باشی، چه اندازه در عرفان واقعی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و شناخت حقیقی آن حضرت پیش می‌روی. حزن بن یزید ریاحی راه را بر امام بسته بود، ولی نسبت به مادر امام علیه السلام ادب به خرج داد و تقوای زبان را رعایت کرد، به کجا رسید ما نمی‌دانیم، هیچ کس نمی‌داند به غیر از معصوم، مقام حزن بن یزید ره چگونه و چه مقدار بالا رفت؟ فقط می‌دانیم افتخار دفاع از مقام ولایت امام زمانش را پیدا نمود و به عنوان اولین شهید این راه به خاک و خون کشیده شده و عزیز زهراء علیها السلام به غمخواری، سرش را به زانو گرفت پس راه ترقی و تکامل باز است، ما خودمان مانع راه شده‌ایم، غرور و عجب، گناه و هوا پرستی مانع پیشرفت و ترقی ما شده است.

شرط قبول توحید و رسیدن به کمال

حال که به لزوم امام شناسی واقف شدی و مأخذ این موضوع را قرآن و روایات معتبره دانستی، بدان امام آب حیات برای جامعه‌ی بشری است، دریائی است که تشنه کامان معرفت را سیراب می‌کند و غواصان کمال و هدایت را لؤلؤ و مرجان می‌بخشد (۱۰۶)، او جبل الله است، وسیله‌ی اتصال خلق به خالق، ریسمان نجات از چاه کفر و نفاق که امر اعتصام به او در قرآن (۱۰۷) آمده است. صاحب ینابیع المودّه که خود از علماء عامّه است از رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که جبل الله حضرت علی علیه السلام می‌باشد (۱۰۸). امام مشکوه معرفت و مصباح هدایت است، آیه‌ی نور (۱۰۹) مبین نور بخشی اوست، او مظهر «الله نُورُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ» (۱۱۰) است و به قول خودش، «عِشُّ الْعِلْمِ وَ مَوْتُ الْجَهْلِ» (۱۱۱) هر جا قدم گذارد و سخن براند، قدمش خیر و سخنش زنده کننده‌ی دانش و میراننده‌ی جهل و نادانی است. نعمت عظمی در قرآن کریم ولایت و رهبری امام است که «اتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» (۱۱۲) شاهد آن می‌باشد. ولایت امام شرط قبول توحید و نبوت است. یعنی اعتقاد به ولایت امام شرط قبول توحید و نبوت است. یعنی اعتقاد به توحید و نبوت از ما وقتی پذیرفته می‌شود که معتقد به ولایت امام باشیم و دهها دلیل بر این معنا در قرآن و روایات موجود است که «إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ» (۱۱۳) «وَبَشُرُوْطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا» (۱۱۴) نمونه‌ای از آن است.

علت اصلی انحطاط

با وجود آب حیات و دریای پر از ارزشهای معنوی و علمی که امام علیه السلام است باید مسلمانان کلیددار و استاد و مربی دانشگاه‌های حیات یابی و تربیتی و علمی جهان در طول تاریخ اسلام می‌شدند، و در فلاح و رستگاری نمونه می‌گشتند و در علم و عمل بر بیگانگان غرب و شرق پیشه می‌گرفتند. ولی چرا؟ ولی چرا سمت استادی بدست دیگران افتاده و بیگانه با تمام مفاسدش به مسلمین از نظر علم و دانش فخر و مباهات نموده است؟ پاسخ این سؤال معلوم است، اسلام و مکتب پیشوایان الهی طریق و راه سعادت است، ولی برای کسانی که عمل کننده‌ی به دستورات و اوامر قرآن و عترت باشند، نه برای کسانی که به نهی «لا تفرّقوا» (۱۱۵) توجه نکرده در تهاجم فرهنگی و ترویج انحرافات، کمک کار مهاجمین و یاور منحرفین باشند. مسلمین از دریای بزرگ امامت، دور شدند و از وجود مطهر ائمه علیهم السلام استفاده نکردند و به قول قرآن (اعراض از ذکر ربّ نمودند) یعنی «از ولایت ولی‌الله» سرپیچی کردند، برای همین، به مشکلات مادی و معنوی گرفتار گردیدند.

وجود مطهر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

وجود مطهر او مثلاً آب است که حیاتبخشی دارد. «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا» (۱۱۶) آب اولاً- پاک‌سازی می‌کند و ثانیاً حیاتبخشی می‌نماید، که رابطه‌ی پاک‌سازی و حیاتبخشی برای اهل معنویت معلوم و آشکار است. قرآن می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا، لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْمَدَةَ مَيِّتًا» (۱۱۷) تا پاک‌سازی و تزکیه‌ی قلب در مدرسه تربیتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یعنی مکتب تشیع صورت نپذیرد، حیات طیبه برای طالب کمال میسر نمی‌گردد. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مُطَهِّرِ قَلْبِهَايَ لَايِقِ و محیی دل‌های پاک است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ إِذَا دُعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (۱۱۸) یعنی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید دعوت خدا و رسول را اجابت کنید، وقتی شما را به سوی چیزی که باعث حیاتتان است دعوت می‌کند. مرحوم جد ما سید احمد علوی (صهر میرداماد) در کتاب شریف لطائف غیبیه صفحه‌ی ۴۲۰ می‌فرماید: ابن مردویه در کتاب مناقب روایت کرده از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که مقصود، از «دُعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» امامت و ولایت علی بن ابیطالب علیهما السلام است. امروز اجابت خداوند متعال و رسول او در قبول ولایت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نهفته است، و تزکیه و خودسازی و احیاء قلوب زیر لوای امامت و تحت توجهات آن حضرت میسر می‌باشد. اعراض از ذکر ربّ، که ترک ولایت اهلیت علیهم السلام تفسیر شده (۱۱۹) بدین معناست که برای خودسازی و حیات یابی، عوض تمسک به قطب واقعی جهان هستی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این در و آن در بزیم و قطبهای کاذب را مربی خود قرار دهیم. باید بدانیم دستور ذکر و دعا از غیر اهل الذکر (۱۲۰) خواستن، و سرانجام بی‌توجهی به صاحب ولایت و تقصیر در پیروی آن جناب نمودن معیشت ضنک (۱۲۱) و کوری در قیامت را دنبال دارد. در سوره‌ی حج (۱۲۲) امام علیه السلام به چاه آب تشبیه شده است، چاه آبی که کسی بدان مراجعه نمی‌کند و تشنه‌ای از آن آب بر نمی‌دارد. و این دلیل غربت اسلام و صاحب آن است و در سوره‌ی ملک حضرتش به آب جاری (ماء معین) تشبیه شده است (۱۲۳). و تشبیه بالاتر، اینست که امام در مثلاً دریاست (۱۲۴) دریای کمالات و فضائل، علوم و مناقب، که تشنه کامان معرفت و غواصان فضیلت را سود می‌بخشد. وجه تشبیه امام به چاه و آب جاری و دریا شاید، به دلیل اختلاف استعدادهای متعلمین و تفاوت کشش فکری و معنوی شاگردان و دوستان اهلیت علیهم السلام باشد. وجود امام برای غواصان واقعی و مستعدین حقیقی دریا، و برای تشنه کامان (در مراتب پائین‌تر) جویبار و برای تازه‌واردان چاه آب است. نسل جوان باید بدانند به مقتضای این آیه‌ی شریفه: «أَنْمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (۱۲۵) هدایت کننده‌ی واقعی در این عصر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشند، باید با پیروی از ایشان و توسل به حضرتش راه را باز یابیم و در طریق نور حرکت نمائیم.

باید کتب پیرامون آن حضرت را خوانده و در نشر آثار مربوط به ایشان کوشا باشیم، باید پاسخ شبهات و اشکال تراشی مخالفین را داده، نسل جوان را از انحرافات فکری، بازداریم. بر تعداد این جلسات دینی و بیان معارف اسلامی، بیفزائیم، و با تشکیل کتابخانه و نوارخانه‌های مذهبی، جوانان جامعه را از فسادهای اخلاقی و عقیدتی نجات دهیم مهمتر از همه‌ی اینها، مجالس دعا برای سلامت و تعجیل فرج حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تشکیل داده، از بُعد عاطفه و محبت وارد شده با جاذبه‌ی «یا بن الحسَن وَ اَینَ مُعزُّالاولیاء وَ مُدُلُّ الاعداء» قلوب را مستعد نموده، در زدودن تاریکیها، و مبارزه با خطوط التقاطی و احزاب سیاسی استعماری متّحد شویم.

ثمره‌ی هستی

در حدیث قدسی آمده است: اگر تو نبودی عالم را خلق نمی‌کردم. و ادامه‌ی حدیث (۱۲۶) مجموعاً می‌رساند که نظر خداوند متعال به این خانواده یعنی محمد و آل محمد علیهم السلام بوده است. فی المثل باغبانی را در نظر بگیرید برای رسیدن به میوه چقدر زحمت می‌کشد باغ را رسیدگی می‌کند، شخم می‌زند آبیاری می‌کند، آفت زدائی می‌نماید، همه این کارها را برای رسیدن به میوه می‌کند. (البته او از باب احتیاج این کارها را می‌کند) پس به معنی آن شجر از میوه زاد گر به صورت از شجر بودش نهاد گر به صورت من ز آدم زاده‌ام در حقیقت جد جد افتاده‌ام کز برای من بدش سجده ملک وز پی من رفت بر هفتم فلک پس ز من زائید در معنی پدر پس ز میوه زاد در معنی شجر همانطور که سعدی هم گفته: تو اصل وجود آمدی از نخست دگر هر چه موجود شد فرع تست با این توضیح مختصر قصد داشتم بگویم وجود مطهر حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ثمره‌ی هستی و مقصد خداوند متعال است و بقیه موجودات در پرتو ایشان و طفیل آن حضرت هستی دارند. همانطور که شاعر در مورد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علی علیه السلام گفته: هفت آسمان ز نور محمد بیافرید آنگاه چرخ و انجم و افلاک و ماه و خور آنگاه آفرید ز نور علی زمین افلاک و کوهسار و نباتات و بحر و بر خواندش اباتراب پیمبر از این سبب کز نور او زمین شد و بُد خاک را پدر این شاعر اشاره کرده به حدیث منقول که مرحوم شیخ صدوق در معانی الاخبار آورده است: شخصی به امام صادق علیه السلام گفت: چرا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت علی علیه السلام کنیه‌ی ابوتراب داد؟ حضرت فرمود: چون پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام صاحب زمین و حجت خدا بر اهل زمین است و بقا و سکون زمین بستگی به وجود او دارد. باید بدانیم امروز بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و یازده امام صاحب زمین و حجت خدا بر اهل زمین و علت مبقیه زمین و عالم هستی وجود مطهر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد. (جانمان به قربان خاک پای عشاق او باد)

سؤال در مورد علم امام

شخصی از مطالب جزوه‌ای که به نام حضرت بقیه‌الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف و به اصطلاح ویژه ایشان اخیراً چاپ و منتشر شده، سؤال نموده از جمله می‌گوید: در جزوه‌ی مذکور آمده است: شخصی که می‌خواهد دنیا را متحول سازد و دست به اصلاحی همه جانبه و فراگیر بزند، عدل را بگستراند و ظلم و ستم را در همه‌ی اشکال و انواع آن، برچیند، تمدن بشری را بر اساس زر و زور و تزویر بنا گردیده ویران سازد و تمدنی همه جانبه و بر اساس ارزشهای الهی و معنوی ایجاد کند، باید دارای عدّه و عدّه فراوان باشد، با ابزار مدرن و پیشرفته آشنا باشد، فراز و فرود تمدنها را بشناسد و بالاخره، از علل سقوط و سعود ملتها تجربه بیندوزد، تا بتواند حرکتی اساسی و بنیادی را آغاز و رهبری کند و موانع را از سر راه بشر بردارد.

پاسخ مطلب

پاسخ این مطلب به طور جدا و مستقل نوشته و منتشر شود، ولی بطور اختصار در مورد علم و دانش و آگاهی غیبی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و آباء گرامی ایشان، و اینکه آنها نیازمند کسب تجربه نبوده و نیستند، مطالبی را می‌نگارم، خدا کند قبول دوست افتد و ما را هم به نگاهی احسان نماید. انشاءالله تعالی آیا غیر خدا علم غیب دارد؟ قرآن می‌فرماید: «لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ» (۱۲۷) و باز می‌فرماید: «قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ» (۱۲۸) این آیات می‌فرماید: علم غیب ذاتی، مخصوص خداوند است و کسی این نوع علم و آگاهی را ندارد. ولی در سوره‌ی جن آیه‌ی ۲۶ می‌فرماید: خداوند عالم به غیب است، هیچ کس را بر غیب آگاه نمی‌کند، مگر رسولی را که برگزیده ... و در جای دیگر می‌فرماید: چنان نیست که خداوند شما را از غیب آگاه نماید، ولی از میان رسولان خود هر کس را بخواهد انتخاب می‌کند (۱۲۹). این آیات می‌فرماید: برگزیدگان خداوند به خواست او می‌توانند از غیب برخوردار باشند، پس علم غیب خداوند استقلالی است و از خود اوست، ولی علم غیب اولیاء الهی از خداوند و به اراده‌ی اوست. حضرت عیسی علیه السلام می‌گفت: خبر می‌دهم شما را از آنچه می‌خورید و آنچه در بیوت خود ذخیره می‌نمائید (۱۳۰). پس از نظر امکان علم غیب (در رهبران الهی) ما مشکلی نداریم یعنی قرآن اگر نفی علم غیب در غیر خداوند می‌فرماید، نفی علم غیب استقلالی می‌کند، ولی علم غیب خدادادی و به قول ما بخششی، از طرف حق تعالی را نفی نمی‌کند، بلکه در مواردی از این نوع علم غیب که برگزیدگان داشته‌اند، خبر می‌دهد. از ناحیه وقوع، هم در کتب شیعه و عامه مسأله آشکار و واضح است. داستان فتح مکه که در آیه‌ی ۲۷ سوره‌ی فتح آمده است: «لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ» ... و پیشگوئیهای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام و اولاد طاهرین ایشان در موارد مختلف، تردیدی برای اهل انصاف باقی نمی‌گذارد. که اولیاء خداوند (پیامبر و ائمه علیهم السلام) «به اذن الله» عالم به غیب و آگاه به اسرار و بواطن بوده‌اند. اباذر ره می‌گوید: در محضر حضرت علی علیه السلام حرکت می‌نمودیم تا به وادی مورچگان رسیدیم. گفتم بزرگ است خدائی که تعداد این مورچه‌ها را می‌داند، امام فرمود: اینطور مگو، بلکه بگو بزرگ است خالق آنها، به خدائی که تو را صورت بخشیده، من عدد آنها را می‌دانم و از زر و ماده‌ی آنها (به اذن الله) با خبرم. (۱۳۱) با توجه به این مطلب، امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در هر فصلی از حیات خود برگزیده خداوند است، و عالم به غیب و وظائف خویش، و از علل صعود و سقوط ملت‌ها با خبر است. در عباراتی که از جزوه‌ی مذکور نقل شد، اشکالاتی وجود دارد، اهم آنها این است که به علم غیب امام بی‌توجهی شده است. می‌گوید: «امام باید تجربه بیندوزد، امام باید طلوع و غروب تمدن‌ها را دیده و با کوله‌باری از تجربه و شناخت به میدان بیاید. احاطه‌ی امام بر تاکتیکها و روشهای دنیای بشری لازمه‌اش این است که امام دورانی را طی نماید. اما در دل تاریخ فرو رفته و با آزمودگی و تجربه‌ای که در این مدت طولانی کسب کرده است توانائی دگرگونی اساسی جهان را خواهد داشت و ... عبارات مقاله نشان می‌دهد که نویسنده جهت مشهور شده به میدان مشهورات اعتقادی و تاریخی قدم نهاد قلم را به عبارت پردازی رها ساخته و گاه از کتب روشنفکرانهای گذشته یاری طلبیده کلمات (زر و زور و تزویر) را در مقاله‌اش به کار برده است. قضاوت نویسنده مقاله در مورد نیازمندی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به تجربه و علم کسبی قضاوت جاهلانه و غیر منطقی می‌باشد قرآن کریم (۱۳۲)، بلوغ کامل عقل را ورود به سن چهل سالگی می‌داند و این نظر در مورد انسانهای غیر منتخب و افراد عادی است، در صورتی که حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف انسان منتخب و برگزیده خداوند و خلیفه‌الله و بقیه‌الله است و از سن شریفش نیز اربعینها می‌گذرد. بر اساس مطالب بی‌اساس نویسنده که امام و رهبر الهی را نیازمند طول عمر جهت تجربه اندوزی می‌داند، نبوت و رهبری حضرت یحیی علیه السلام زیر سؤال می‌رود. قرآن در سوره‌ی مریم آیه ۱۲ می‌فرماید: «يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا» ای یحیی کتاب را با قوت بگیر و ما فرمان نبوت، در کودکی به او دادیم. از آقای نویسنده سؤال می‌کنیم، کودکی که علم و تجربه نداشت چگونه پیامبر خدا و هادی خلق گردید؟ آیا غیر از این است که مفتخر به

علم الهی و برخوردار به دانش خدائی شده بود؟ در مورد رهبری حضرت عیسی چه می‌گوئید؟ مردم به مادر عیسی بدین شده بودند، زیرا او بدون داشتن شوهر، فرزندی به نام عیسی آورد «فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ» برای ردّ تهمت، حضرت مریم اشاره به کودک نمود. از او سؤال کنید!!! از چه کسی؟ از بچه‌ای که تازه به دنیا آمده، گفتند: ما چگونه با کودکی که در مهد است، سخن برانیم؟ مادر می‌داند، فرزندش رشد فکری الهی دارد و می‌تواند پاسخگوی تهمت زندگان باشد، مریم با توجه به قدرت خداوند، قدرت رهبری خلق را در کودکش می‌بیند و نمی‌گوید برای راهنمایی مردم، باید عمرش زیاد بشود و تجربه و علم کسب نماید ولی مردم زمانش مثل وهابی زده‌های زمان ما که قبول معجزات و غیگوئی ائمه علیهم السلام برایشان مشکل است، می‌گویند، ما چگونه با کودک تازه به دنیا آمده سخن بگوئیم. خدای متعال قدرتش را به نمایش گذاشت و حضرت عیسی علیه السلام را به زبان آورد. گفت: من بنده خدا هستم، او به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است. (۱۳۳) آیات بعدی نیز، هدایت مردم و ارشاد خلق است، ارشاد به نماز و زکات و نیکوکاری در حقّ مادر یعنی، حضرت عیسی علیه السلام در گهواره ضمن اینکه به وسیله جمله، «إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ» درس توحید و به وسیله جمله، «آتَانِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا» درس پیامبر شناسی به مردم داد و پاکدامنی مادرش را آشکار ساخت تدریس نماز و زکات و نیکوکاری نیز نمود. آیا عیسی علیه السلام نمی‌خواست دگرگونی در جامعه‌اش بوجود آورد و مردم را از آلودگی نجات بدهد؟ پس چرا صبر نکرد تا عمرش طویل بشود و علم و تجربه کسب نماید؟ گمان می‌کنم همین مقدار در ردّ مطالبی که سؤال کننده درباره‌ی علم غیب از جزوه‌ی مذکور مطرح کرده کافی باشد، و تفصیل جواب را به خواست خداوند متعال به کتاب دیگری موکول می‌نمائیم.

ه‌شار به نسل جوان

نسل جوان بدانند، علم و آگاهی، بیداری و هشیاری، نورانیت و بصیرت، فقط در بیت آل پیامبر، ائمه معصومین علیهم السلام یافت می‌شود، و آن بزرگواران در هر موقعیتی و در هر سنی که باشند، لایق رهبری خلق می‌باشند. از حدیث: «سَيِّدُ الْأَبْوَابِ إِلَّا بَابَهُ» که شیعه و عامّه (۱۳۴) نقل کرده‌اند، این معنا را در می‌یابیم، که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم عملاً به ما درس داد صاحبخانه‌های دیگر قابل رهبری خلق نیستند، آن کسی که باید مسجد و محل عبادت به خانه‌اش مرتبط باشد و مردم عبادتشان را زیر لوای رهبری او انجام دهند، فقط علی بن ابی طالب و اولاد ایشان علیهم السلام است و امروز وارث آن خانه و خانواده، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشند.

ولایت تکوینی‌ی حضرت ولی عصر عجل

حقیر در کتاب «اشک خونین» که در انکسار تمام مخلوقات در برابر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم نوشته‌ام، درباره‌ی ولایت تکوینی به خواست خداوند به خوبی توضیح داده‌ام. باید دانست که ولایت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و دست تصرف ایشان در عالم مطلقه است، و آن بزرگوار (باذن الله) حاکم علی الاطلاق جهان هستی می‌باشند. همانطور که در باب اثبات علم غیب، برای اولیاء علیهم السلام از آیات قرآن استفاده کردیم، برای این موضوع هم آیه‌ی ۴۳ سوره‌ی آل عمران را می‌آوریم و تفصیل آن را به اشک خونین ارجاع می‌دهیم. حضرت عیسی علیه السلام می‌فرماید: «وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلَقْتُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ» (... ۱۳۵) در این آیه‌ی شریفه چند قدرت نمائی از قول عیسی علیه السلام بیان فرموده است که توضیح این است: ۱- شکل پرنده‌ای را از گل می‌سازم و سپس در آن می‌دمم، پرنده واقعی می‌گردد باذن الله. ۲- کور مادر زاد را شفا می‌دهم. ۳- مبتلا به برص و پیسی را شفا می‌دهم. ۴- مردگان را زنده می‌کنم باذن الله. ۵- خبر می‌دهم شما را به آنچه می‌خورید و به آنچه در خانه‌های خود ذخیره می‌کنید. در مورد حقانیت این آیه که قدرت و توانائی نماینده‌ی خداوند

متعال، حضرت عیسی علیه السلام را از قول خودش بیان می‌نماید آیا مسلمانی می‌تواند شک کنی؟ این آیه، هم ردّ بر منکرین معجزات اولیاء خداست و افکار وهابی زده را محکوم می‌کند و هم ردّ طبقه‌ی غالی است و اندیشه‌های صوفی زده را مردود می‌نماید. توضیح اینکه ضمن بیان عیسی علیه السلام که من چنان و چنین می‌کنم، می‌بینید کلمه‌ی (باذن‌الله) دو مرتبه آمده است، پس نمایندگان خداوند قدرت و توانائی و به تعبیر بهتر معجزه دارند ولی به اذن خداوند متعال، پس وهابگیری و مخالفت با ولایت اولیاء از یک طرف و عیسی الهی و علی الهی و سوء استفاده از ولایت معصومان از طرف دیگر، محکوم می‌گردد. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که از نظر مقام و رتبه از حضرت عیسی علیه السلام بالاترند احاطه و علم، ولایت و حکومتشان باذن‌الله می‌باشد، آن بزرگوار عبدالله و مخلوق خداوند هستند، ولی در عالم هستی به عنوان عضد و ید خداوند کارگشائی و قدرت نمائی می‌کنند. (۱۳۶) و اعتقاد به چنین مطلبی اضافه بر اینکه شرک نیست شرط توحید است و اگر نباشد مشروط که توحید است حاصل نمی‌شود. (۱۳۷) نکته در قسمت آخر آیه‌ای که در معجزه‌ی حضرت عیسی علیه السلام بیان گردیده می‌فرماید: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» این قدرت نمائی و معجزات، نشانه‌ای بر صدق گفتار من است اگر مؤمن باشید. خواهید گفت: مؤمن به چه کسی؟ پاسخ این است: مؤمن به خدا و قدرت و حکومت او یعنی اگر به خدای متعال و توانایی بی‌نهایتش مؤمن باشید، این قدرت نمائی و معجزات ارتباط مرا با او بازگو می‌کند و می‌فهمید چون من پیامبر خدای قادر هستم، توانائی بر کارهای این چنینی دارم. پس نتیجه می‌گیریم که برای کسانی که به قدرت خداوند مؤمن باشند، کارهای خارق‌العاده و معجزات پیامبران و ائمه حال شده و بعید به نظر نمی‌آید. آنهایی که ولایت اولیاء را رد می‌کنند و معجزات و قدرت نمائی ائمه‌ی علیهم السلام را تکذیب می‌نمایند، در کلاس خداشناسی و توحید مردودند و به تعبیر دیگر کسانی که اولیاء دین علیهم السلام را به بزرگی نشناسد خدای متعال را به بزرگی نمی‌شناسند. در مورد بیماری‌هایی که به عنایت ائمه علیهم السلام و امروز به توجه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف شفا یافته و می‌یابند، چرا بعضی توقف می‌کنند و مطلب برایشان قابل درک نمی‌باشد؟ آیا عیب به شفا یافتن بدست ولی خداوند بر می‌گردد یا عیب مربوط به اعتقاد ضعیف توقّف کننده است مگر شفا بدست خداوند نیست، مگر خداوند قدرت بر شفا دادن مریض ندارد، آیا می‌تواند این قدرت را به ولیّ خودش بدهد، آیا اشکالی دارد، همان که علم غیب را به برگزیده‌ی خودش می‌دهد این قدرت را هم به او عنایت کند؟ ما معتقدیم ولیّ خداوند به اذن خداوند قدرت نمائی می‌کند، خبر از غیب می‌دهد، شفا می‌دهد، مرده زنده می‌کند، و این اعتقاد با توحید منافاتی ندارد، بلکه عدم این اعتقاد مخرب توحید است. در کتاب امراء هستی، مرحوم آیت‌الله حاج سید ابوالفضل قمی قدس نقل می‌کند از انوار البهیة از عمر بن فرج رنجی که به امام جواد علیه السلام گفتیم: شیعیان معتقدند که شما از وزن آب دجله آگاهی دارید؟ (و این سؤال را در حالی از امام کردم که در کنار فرات نشسته بودیم) حضرت فرمود: آیا خداوند می‌تواند این علم را به پشه‌ای عطا فرماید؟ گفتیم: آری. فرمود: من از پشه و از اکثر خلق خدا نزد او عزیزترم. کسی که منکر علم غیب و معجزات ائمه علیهم السلام می‌شود پایه‌ی توحید و اعتقادش به خدا لنگ است، توحید را نفهمیده در ولایت مطلقه ائمه اطهار علیهم السلام و دست تصرف آن بزرگواران در عالم تکوین به بحث می‌نشیند و کتاب می‌نویسد، و افراد تازه وارد و غیر مّطّلع را به انحراف می‌کشاند. ما معتقدیم امام علیه السلام همانطور که می‌تواند امراض جسمانی را به اذن خدا شفا دهد، امراض و کمبودهای روحانی و فکری را نیز شفا می‌دهد. زازان که صدای خوشی داشت و به شعر خوانی می‌پرداخت و با قرآن بیگانه بود، با یک نظر ولیّ خدا امیرالمؤمنین علیه السلام حافظ کلّ قرآن شد. (۱۳۸) داستان توجه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به کربلائی کاظم ساروقی معروف بین اساتید و بزرگان حوزه‌ی علمیه‌ی قم است. پدر و مربّی عزیزم آیت‌الله بحرالعلوم میردامادی قدس فرمودند: من او را در مدرسه‌ی فیضیه ملاقات نمودم، او به عنایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دفعتاً حافظ قرآن شده بود با اینکه سابقه‌ی قرآن خواندن و سواد داشتن نداشت.

پیش در آمد

عنوان (هدایت یافتگان) به عنایت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف هم باید در آینده مورد توجه مؤلفان و محققانی که در راه حضرت به خدمت مشغول می‌باشند، قرار بگیرد. اعتقاد ما این است که همه‌ی فیوضات، بخصوص فیض هدایت و راهیابی به عنایت آن وجود مطهر که مطهر دل‌های لایق است، به مردم می‌رسد. کما اینکه در معنی حدیث و توقیع حضرت که مردم صنایع ما هستند، گفته شده یعنی ما مُرَبِّی مردم و مردم مُرَبِّی و پرورش یافته‌ی ما می‌باشند. مکتب‌های دیگر چه دارند، مرادهای غیر معصوم چه می‌گویند؟ کور که نمی‌تواند عصاکش کور دیگر شود، کسی که خودش را نساخته و به جمع مرید می‌پردازد و دعاوی باطل و بیهوده می‌کند، تا می‌رسد به دعوی بایت و ... آیا می‌تواند من و تو را به سر منزل مقصود برساند؟ نسل جوان مواظب باشند، طلاب و دانشجویان دقت کنند، کسی که در مقام است، خطی مقابل اهلیت علیهم السلام باز کند و کلاسی مقابل دین بگشاید و برای این ادعا رؤیت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و مشاهده‌ی آن حضرت را می‌کند، و خود را با آن بزرگوار، مرتبط می‌داند، قابل پیروی و احترام و تعظیم نیست، بلکه گفته‌اند او را تکذیب نمایند. (۱۳۹) توقیع شریف که هر کس ادعای رؤیت کند، پیش از خروج سفیانی، او را تکذیب کنید، به جهت بستن دکان دکانداران و مدعیان به نیابت خاصه، می‌باشد. و الا اگر کسی خدمت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در خواب یا در بیداری رسیده باشد (کما اینکه عده‌ای از علمای بزرگ و بندگان شایسته مشرف به خدمت آن جناب شده‌اند و داستان تشریفان را محدثین عالیقدری مثل علامه مجلسی و حاجی نوری نهارندی ره نقل کرده‌اند) و ادعای نیابت و مقامی برای خود نکند، مقدمه چینی برای جمع مرید و درهم و دینار ننماید، برای چه او را تکذیب نمایند. مگر بارگاه لطف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بسته است و مگر در وجود مطهر او (نعوذ بالله) بخل راه دارد و این مطلب را که سید صاحب کرامات، عالم با فضیلت مرحوم آیت‌الله طباطبائی ابرقوئی قدس در کتاب ارزنده و شریف «ولایت المتقین» صفحه ۱۸۲ بیان فرموده است و به عنوان آگاهی بیشتر خوانندگان عزیز نقل می‌کنیم:

نظریه‌ی آیت‌الله طباطبائی قدس در مورد مدعی رؤیت

[مذهب باب]

چون در زمان غیبت صغری اختلاف عظیمی در میان شیعه افتاد تقریباً در مذهب بیست فرقه گردیدند که فتنه‌ی بزرگی به پا شده بود. چنانچه در جلد ۱۳ بحار و سایر کتب غیبت شرحی دارد. غرض که در همان زمان مذهب باب طلوع کرد که چند نفری دعوی نمودند که ما خدمت امام علیه السلام می‌رسیم و ما باب منزل غیبیه‌ی آن حضرتیم و باید ارجاع احکام دین و اموال و وجوهات به ما بشود و به دست ما برسد. با آنکه سفرای عظام هم در این مدت بودند، مع ذلک بر بعضی از عوام شیعه امر مشتبه شده بود تا آنکه از ناحیه‌ی حضرت صاحب عجل الله تعالی فرجه الشریف لعن آنها صادر گردید. و این کرشمه تا بعد از زمان غیبت صغری هم بود که خَلْفًا عن سَيَلَف دعوی نیابت خاصه و ادعای رؤیت می‌نمودند. و کم کاری به دعوی مهدویت نوعیه و رکن رابع کشید تا زماننا هذا که این ترهات و خرافات باقی است. غرض که گمان نویسنده این است که به جهت جلوگیری از این دعاوی باطله و دکان شیاطین مجسمه، حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشتند از برای سَمَری که سفیر چهارمی بود، که دیگر ناییبی برای خود نصب نکن که درب بسته شده و هر کس بعد از این ادعای رؤیت نماید او را تکذیب نماید. این تقریب توقیع بود و الا توقیع مبارک فی الجملة مفصّل است و شاهد مدعی که حضرت علیه السلام به لفظ ادعا تعبیر فرموده که «من ادعی الرؤیه» بوده باشد. یعنی کسی که ادعا نموده که من خدمت امام علیه السلام می‌رسم او را تکذیب کنید که خود این ادعا دلالت بر کذبش

می‌نماید. زیرا که اگر خدمت امام علیه السلام می‌رسید و او را مشاهده می‌نمود و اخذ فیوضات می‌کرد، هرگز ادعائی نداشت و اظهار چنین موهبت و سرّی را نمی‌کرد. پس آن کسانی که خدمت حضرت علیه السلام رسیده‌اند، ابدأً ادعائی نداشته‌اند، بلکه همین قدر می‌گویند که در فلان مرحله یا فلان گرفتاری، شخصی نمایان شد و ما را نجات داد. یا اینکه به ایماء و اشاره می‌رسانند که این دعا و این کلام از ناحیه‌ای به ما رسیده، یا آنکه رفقاً و اصحابش از حالات و حرکات و کلماتش گمان می‌برند که او خدمت حضرت رسیده و به التماس و قسم زیاد او را وادار می‌نمایند که قضیه را بگوید. چنانچه حاجی نوری «نورالله مرقد» با جمعی از خوبان خدمت حاج علی بغدادی ره رسیدند و به التماس او را وادار نمودند که حکایت خود را تماماً بیان نماید. و هکذا و هکذا. پس اگر غیر از این معنای مزبور معنایی برای این روایت گفته شود، پس روایت بر خلاف حس و قطع و یقین است. و این نتیجه خلاف است. پس معنای مزبور، حقّ و موافق است. مثلاً کسی که در کمال ورع و تقوا بوده باشد و از هر جهتی آراسته و از دنیا وارسته شب و روز به زهدات و عبادت بسر می‌برد و سی سال است مثلاً با تو رفاقت و معاشرت دارد. و تو هرگز از او معصیتی ندیده و دروغی نشنیده‌ای و خلافی از او مشاهده ننموده‌ای، بعد از سفر زیارت به دیدن او بروی و او از روی اخوت و شفقت و مهربانی به تو مژده دهد که در فلان موقع در مسجد سهله تنها بودم که در نصف شب دیدم مسجد روشن گردید. پس بسوی روشنی شتافتم تا آنکه رسیدم به آنجا که مقام حضرت صاحب عجل الله تعالی فرجه الشریف است. دیدم که آن حضرت در محراب عبادت است. پس هیبت و جلال آن حضرت مانع شد که پیش روم که ناگاه خود حضرت فرمودند: یا فلان. عرض کردم: لیک بایی انت و امی. فرمودند: پیش آی، پیش رفتم. پس آن حضرت لطف و دلجوئی نسبت به حقیر نمودند. و فرمودند: به فلان بگو که فلان کار را ترک نما. و یکی یکی اسرار نهانی ترا از جانب حضرت بگوید. و علوم و حکمتی که حضرت به او تعلیم نمودند به تو نشان و نمایش دهد. و تو هم او را خوب می‌شناسی که در این خبر هیچ غرض و ادعائی ندارد. و به احدی هم نگفته و نمی‌گوید جز به تو که امین و متقی می‌باشی و هم حقّ اخوت داشتی. و تو مسلّم با این مقدمات مزبوره قطع و یقین صادق به قولش پیدا می‌کنی که خدمت آن حضرت رسیده است. پس بعد از آنکه یقین کردی آیا به حدیث عمل می‌نمائی و او را تکذیب می‌کنی؟ حاشا و کلاً. مگر دیوانه و بی‌هوش باشی. مگر حدیث شریف و کلام حکیم می‌گویند که منکر آفتاب شوید؟ یا آنکه تکذیب روشنی روز و تاریکی شب را نمائید. حاشا و کلاً. پس واقعاً تعجب است از بعضی که از بی تأملی و بی‌فکری خود را از فیض و سعادت محروم ساخته‌اند که سیری در کتب غیبت که علمای اعلام مثل مرحوم علامه‌ی مجلسی ره و مرحوم حاجی نوری ره و سابقین و لاحقین آنها نوشته‌اند نمی‌نمایند که هر مرده‌ای را حیات و هر سست عقیده‌ای را ثبات و هر خوابی را بیدار و هر مستی را هوشیار می‌نمایند. پس چنین آدمی با چنین عقیده‌ای لابد هیچ وقت در فکر و خیال دیدن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هم نمی‌باشد چه رسد به آنکه خود را مجهز و آماده و پاک و پاکیزه نماید برای شرفیابی حضور مبارک. یعنی پاره‌ای از اعمال و عبادات و ریاضات مخصوصه را بجا آورد، چنانچه مجرب است، تا آنکه خدمت امام برسد. گمان نمی‌کنم که همچو آدمی هیچ وقت خواب امام علیه السلام را هم ببیند. بلکه گمان نمی‌کنم که مایل هم باشد. (۱۴۰)

هدایت‌یابی خطیب عراقی

یکی از هدایت یافتگان اخیر آقای شیخ عبدالرحمن العلی (عراقی) است. او سنّی شافعی بود و در اثر بعض تبلیغات و هائیت، با شیعه و مکتب تشیع، مخالفت و ضدّیت داشت. نامبرده در تاریخ ۱۷ / ۱ / ۷۵ بوسیله‌ی عدّه‌ای از دوستان به مدرسه و کتابخانه‌ی تخصصی حضرت ولّی عصر عج آمد و اینجانب در محیطی که به استغاثه به حضرت صاحب‌الزمان عج و ذکر شریف (یابن‌الحسن) و توسّل به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف متبرک شده است، با او بحث نمودم و این همان محیطی است که آقای مهندس بودائی سومیاکی (روح الله) و اهل ژاپن بعد از دو سه روز مباحثه در تاریخ ۲۵ / ۸ / ۷۴ در برابر اسلام سر فرود آورد و به برکت عنایت

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به گروه هدایت یافته و فرقه‌ی ناجیه پیوست. نتیجه‌ی مباحثات ما با آقای شیخ عبدالرحمن العلیف این شد، که به عنایت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ایشان از گذشته‌ی خویش نادم شده با تمام وجود و از روی صمیم قلب مکتب اهل بیت علیهم السلام را پذیرفت. احیاء گری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تا آنجا رسید که نامبرده جزوهای به نام (موعظتی لکل مسلم) نوشته و مسلمین را به اتحاد زیر لوای امامت اهل بیت علیهم السلام فرا خوانده است. این جزوه از طرف هیئت تحریریه مدرسه و کتابخانه‌ی تخصصی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ترجمه گردید و به نام «گمشده‌ام را یافتم» برای بیداری نسل جوان منتشر شد.

نمونه‌ای از مباحثات با خطیب عراقی

حدیث «من مات» ... که اول این مقاله آوردم، از طریق فریفتن شیعه و سنی نقل شده است. به آقای شیخ عبدالرحمن گفتم: آیا شما این حدیث را قبول دارید؟ گفت: آری گفتم: آیا شما حدیث «الخلافه بعدی ثلاثون سنه» را دیده‌اید؟ گفت: این حدیث را ندیده‌ام و از آن خبر ندارم. گفتم: این حدیث را فقط علماء شما از قول پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده و در پی توجیه حکومت خلفاء بوده‌اند و چند مأخذ از علماء شما دارد از جمله سنن ترمذی جلد ۴ صفحه‌ی ۴۳۶ گفت: غرض شما از مطرح ساختن این دو حدیث چه می‌باشد؟ گفتم: اگر من و شما ساعت و آن بعد از وفات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم حیات داشتیم آیا مأمور به معرفت یابی نسبت به امام زمانمان بودیم؟ گفت: بلی گفتم: امام زمان ما در آن ساعت چه کسی بود؟ اگر بگوئید، ابابکر پیشوائی داشت، می‌گوئیم او که بعد از مدتی انتخاب گردید، قبلاً که پیشوائی نداشت، صحبت ما آن بعد از وفات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم تا انتخاب ابابکر است، در این فتره و فاصله، امام مردم چه کسی بوده است؟ توضیح اینکه اهل سنت انتخاب را کاشف حکومت نمی‌دانند بلکه مثبت حکومت می‌دانند، بنابراین قبل از انتخاب، ابابکر (به قول عامه) هیچ کاره بوده است. (۱۴۱) شما بفرمائید بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا انتخاب ابابکر (هر مقدار باشد) امام زمان مسلمین و پیشوای موحدین چه کسی می‌باشد؟ اگر بگوئید در آن فاصله مسلمین امام زمان نداشته‌اند خلاف حدیث سخن گفته‌اید، چون معنی حدیث (من مات) ... این می‌شود که همواره باید امام زمانی در جامعه باشد تا مردم او را شناسند. در مورد حدیث خودتان هم (الخلافه بعدی) ... پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: خلافت بعد از من سی سال است، ظاهر کلمه (بعدی) چه چیزی را می‌رساند، یعنی: آن بعد وفات من خلافت آغاز می‌گردد و تا سی سال طول می‌کشد، سؤال را تکرار می‌کنیم، در این فتره و فاصله‌ی زمانی یعنی از آن بعد از وفات رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تا انتخاب ابابکر چه کسی خلیفه و جانشین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم بوده است؟ اگر بگوئید ابابکر خلیفه بود، می‌گوئیم قبل از انتخاب که (روی قول شما) (۱۴۲) او کاره‌ای نبوده است. اگر بگوئید در آن فاصله‌ی زمانی جامعه بدون خلیفه بوده است، این هم خلاف حدیثی است که خودتان نقل کرده‌اید که (الخلافه بعدی) ... چون این حدیث گویای اینست که، لحظه‌ی بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خلافت باید آغاز بشود و نه بعد از گذشت مدتی از وفات او، پس ۱- حدیث (من مات) ... که علماء ما و شما از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده‌اند. ۲- حدیث (الخلافه بعدی) ... که علماء شما از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده‌اند، این مطلب را به ما می‌گوید که: باید امام و خلیفه‌ای آن بعد از وفات رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم موجود باشد، تا مردم به عنوان حجت و امام او را بشناسند و به او مراجعه کنند، و الا- در این فاصله زمین خالی از حجت می‌ماند و رهبری خلق گسیخته می‌شود، و مردم در معرفت یابی امام زمانشان، سرگردان می‌شوند و می‌گویند ما مأمور به شناخت کسی شده‌ایم که وجود ندارد. این بود قسمت مختصری از صحبت اینجانب با آقای عبدالرحمن العلی که نقل کردیم و تفصیل مطالب در مورد ولایت تشریحیه و تکوینیه، و توضیحات و وجود مطهر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف که مدتها طول کشید، باید در نوشته دیگری،

بنام (هدایت‌یافتگان) به عنایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان و تشریح گردد. ممکن است بگوئید، نتیجه این قسمت مباحثه چه شد و سخن به کجا کشید؟ وقتی اینجانب مطالب یاده شده را در مورد حدیث (من مات) ... و (الخلافه بعدی) ... گفتم، و از آقای عبدالرحمن سؤال کردم، اگر ما، در آن زمان بودیم به امامت و خلافت چه کسی اعتقاد پیدا می‌کردیم و چه کسی را باید امام می‌دانستیم و می‌شناختیم تا مرگمان مرگ جاهلیت نباشد؟ ایشان خواست از بحث فرار کند، لذا بحثهای دیگری از قبیل آیه‌ی تطهیر و یا معجزه را پیش کشید. حقیر گفتم: مسأله اصلی و اولی ما مسأله خلافت و رهبری بعد از رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم است چرا از بحث فرار می‌کنید و به مسائل دیگر می‌پردازید؟ گفت من باید در مورد سؤال شما فکر کنم. گفتم: بسیار کار خوبی است، اسلام آئین تفکر و تدبر است اگر خوب فکر کنید و ادله‌ی شیعه را در امامت ائمه علیهم السلام بررسی نمائید، به نتیجه می‌رسید. همانطور که بسیاری از افراد، اعم از عالم و غیر عالم بوده‌اند، که گرایش به مذهب عامه داشته و ابابکر را خلیفه و جانشین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌دانستند، ولی در اثر مباحثه و مطالعه و تفکر به تشیع رو آورده‌اند، و به دفاع از مکتب ولایت پرداخته‌اند. البته ما در مورد آیه‌ی تطهیر و معجزات هم بحث می‌کنیم و از مباحث دینی و مذهبی فراری و روگردان نیستیم ولی فعلاً شما باید در مورد فتره و فاصله بعد از وفات رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نظرتان را بگوئید. جلسه‌ی آن روز تمام شد و حقیر چند کتاب در مورد ولایت ائمه علیهم السلام در اختیار آقای عبدالرحمن العلی گذاشتم. جلسه بعد، دیدم او از نظر روحی فرق کرده، شادایی خاصی پیدا نموده است، معلوم شد خواب دیده، که آقائی به او عینک داده‌اند. اول نگران شده بود ولی دوستان به او گفته بودند، این عینک بصیرت در دین است، چرا نگران شده‌ای؟ و راستی بصیرت پیدا کرد و آقا دستش را گرفتند. قبول کرد که امام و خلیفه‌ی بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وجود مطهر حضرت علی علیه السلام بوده‌اند و خلاصه حق با علی علیه السلام و خاندان ایشان بوده و هست، خدا می‌داند آن جلسه، چه مقدار شاد و شادی آفرین بود و جوانان شیعه تا چه اندازه در ولایت اهلیت علیهم السلام استواری پیدا کردند. (۱۴۳) وقت را مغتنم می‌شمرم و در اینجا به عشاق امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌گویم در نشر این قبیل جریانها بکوشید و بدانید همانطور که نقل تشرفات علماء و صلحاء خدمت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مردم را در طریق هدایت استوارتر می‌سازد، نقل و نشر داستان هدایت یافتگان هم، عقائد مردم را تقویت می‌نماید.

پی‌نوشت

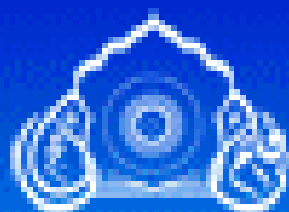
- (۱) - وسائل الشیعه جلد ۱۱ / صفحه ۴۳۵ (۲) - وسائل الشیعه جلد ۱۱ / صفحه ۴۳۵ (۳) - سورة جمعه / آیه ۱ (۴) - سورة رعد / آیه ۱۷ (۵) - نهج البلاغه فیض الاسلام / ص ۱۱۵۶ (۶) - سورة بقره / آیه ۱۵۴ (۷) - سورة نور / آیه ۳۵ (۸) - سورة آل عمران / آیه ۶۱ (۹) - من عنده علم الکتاب، حضرت علی بن ابی طالب^۲ می‌باشند. شواهد التزیل جلد ۱ / صفحه ۳۰۷ (۱۰) - راجع بیانیه رابطه العالم الاسلامی - مهدی انقلابی بزرگ / صفحه ۱۵۴ (۱۱) - الفتوی فی مسأله المهدی المنتظر - پاسخ یک مسلمان کنیائی - از طرف رابطه العالم الاسلامی - مکه - در کتاب مهدی انقلابی بزرگ / صفحه ۱۴۶ ترجمه آن به فارسی آمده و نیز محقق معظم حجه الاسلام و المسلمین جناب آقای مهدی پور آنرا به لاتین برگردانده‌اند. راجع: او خواهد آمد / صفحه ۸۳ (۱۲) - سند حدیث و شرح آن را در کتاب شناخت امام یا راه رهائی از مرگ جاهلی نوشته: محقق معظم حجه الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ مهدی فقیه ایمانی مطالعه فرمائید. (۱۳) - سورة آل عمران / آیه ۱۰۳ (۱۴) - ینابیع الموده جلد ۱ / صفحه ۱۳۹ (۱۵) - کمال الدین / باب ۲۲ (۱۶) - کتاب شریفه منتخب الاثر - تألیف مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی (دام ظلّه العالی) صفحه ۵۱۳، معظم له می‌فرمایند: و رواه فی ینابیع الموده / صفحه ۴۹۴ (۱۷) - اثبات الهداء جلد ۳ / صفحه ۴۷۶ حدیث ۱۶۳ (۱۸) - اثبات الهداء جلد ۳ / صفحه ۴۷۷ - حدیث ۱۶۸ (۱۹) - سوره‌ی انبیاء / آیه ۱۰۵ (۲۰) - مجمع البیان: جلد ۴ / صفحه ۶۶ (۲۱) -

سوره‌ی انبیاء / آیه‌ی ۱۰۶ (۲۲) - مهدی قائم آل محمد / ص ۴ (۲۳) - آخرین امید / صفحه ۱۸۴ با کمی تغییر عبارت - این قسمت از سخنرانیهای گل‌دزبهر - درباره‌ی اسلام نقل گردید باید دانست که در نظرات این گونه خاورشناسان غرض ورزی علیه اسلام و شیعه وجود دارد. (۲۴ - ۲۵) Fotorism - خورشید مغرب / صفحه‌ی ۵۲ (۲۶) - عبارت انجیل: «ای قوم، حق را بگویم به شما - تا آنکه من نروم فارقلیط نخواهد آمد و در آمدن او مصالح بسیار است». (۲۷) - مصقل صفا / صفحات ۶۶-۶۹ (۲۸) - مصقل صفا / صفحه ۶۹ (۲۹) - یعنی آنها که ادعای تشریف محضر مبارک حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌نمایند و از این ادعا سوء استفاده کرده به فریب مردم می‌پردازند. صاحب کتاب ارزنده‌ی ولایه المتقین مرحوم طباطبایی ابرقویی قدس در مورد روایت تکذیب مدعی رؤیت بیاناتی دارد که خلاصه‌اش این است که: مدعی رؤیت را تکذیب کنید یعنی کسی که ادعا دارد و اظهار می‌کند و به قول معروف دکان باز می‌کند را تکذیب کنید و اگر غیر این مطلب معنای دیگری برای حدیث گرفته شود خلاف حس و قطع و یقین است - چون بسیاری از بزرگان خدمت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رسیده‌اند. (۳۰) - کَذَبَ الْوَقَاتُونَ: تعیین کنندگان وقت دروغگویند. اصول کافی جلد ۱ / صفحه ۳۶۸ (۳۱) - غیبت نعمانی / صفحه ۱۵۸ (۳۲) - منتخب الاثر / صفحه‌ی ۳۱۶ (۳۳) - ینابیع الموده / جلد ۳ / صفحه ۸۸ - الملاحم والفتن / صفحه ۶۶ (۳۴) - بحار الانوار / جلد ۵۳ / صفحه ۵۱ «باب الرجعه» (۳۵) - انجیل عیسی مسیح / صفحه ۳۵۳ چاپ دوم، خرداد ۱۳۶۴ نشر آفتاب عدالت (۳۶) - تفصیل این شباهتها را در کتاب شریف مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم جلد ۱ / صفحه ۲۵۴ نگاه کنید. (۳۷) - روزگار رهائی جلد ۱ / صفحه ۵۳ و ۵۴ (۳۸) - سوره‌ی انبیاء / آیه‌ی ۱۰۵ (۳۹) - سوره‌ی قصص / آیه‌ی ۵ (۴۰) - سوره‌ی فصلت / آیه‌ی ۵۳ (۴۱) - بحار الانوار جلد ۵۱ / صفحه ۶۲ (۴۲) - سوره‌ی نور / آیه‌ی ۳۵ (۴۳) - سوره‌ی فصلت / آیه‌ی ۵۳ (۴۴) - سوره‌ی زمر / آیه‌ی ۶۹ (۴۵) - سوره‌ی حدید / آیه‌ی ۱۳ (۴۶) - مهدی انقلابی بزرگ / صفحه‌ی ۱۴۶ (۴۷) - سوره‌ی آل عمران / آیه‌ی ۹ (۴۸) - فرازی از دعای شریفه‌ی ندبه (۴۹) - سوره‌ی العصر / آیه‌ی ۳ و ۲ (۵۰) - سوره‌ی نساء / آیه‌ی ۵۹ (۵۱) - یعنی امام را معصوم می‌دانیم و اعتقاد داریم امر و نهی ایشان عین حق و صواب است. (۵۲) - اقتباس از دعای امیرالمؤمنین علیه السلام صحیفه علویه، ترجمه فارسی آقای رسول محلاتی / صفحه ۲۷۹ (۵۳) - نهج البلاغه فیض الاسلام / صفحه‌ی ۵۹۵ (۵۴) - توضیح المراد علامه مرحوم سید هاشم حسینی طهرانی قدس صفحه ۶۹۶ از قول علماء عامه (۵۵) - بشروطها و انا من شروطها - فرمایش امام رضا علیه‌السلام (۵۶) ... - وابتغوا الیه الوسيله - سوره‌ی مائده / آیه‌ی ۳۵ (۵۷) - سوره‌ی جمعه / آیه‌ی ۹ - راجع ابواب الجنات فی آداب الجمععات تألیف آیه‌الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی صاحب مکیال المکارم / صفحه ۳۴۱ (۵۸) - سوره‌ی طه / آیه‌ی ۱۲۴ - راجع شواهد التنزیل ج ۱ / صفحه ۳۷۸ (۵۹) - سوره‌ی جن / آیه‌ی ۱۶ راجع شواهد التنزیل ج ۲ / صفحه ۲۹۰ (۶۰) - سوره‌ی الاخلاص شرح حدیث تمثیل - بقلم محقق بزرگ مرحوم میرداماد که حقیر آن را به نام سوره‌ی توحید و علی علیه السلام ترجمه نموده‌ام. / صفحه ۳۶ (۶۱) - سوره تغابن / آیه‌ی ۸ (۶۲) - اهل البیت فی القرآن صفحه ۳۵۳ / به نقل از ینابیع الموده شیخ سلیمان حنفی (۶۳) - راجع تفسیر صافی جلد ۲ / صفحه‌ی ۲۴۳ (۶۴) - سوره‌ی حدید / آیه‌ی ۱۲ (۶۵) - سوره‌ی حدید / آیه‌ی ۱۳ (۶۶) - شواهد التنزیل جلد ۲ / صفحه‌ی ۲۲۷ (۶۷) - شواهد التنزیل جلد ۱ / صفحه‌ی ۵۷ (۶۸) - معانی الاخبار / صفحه‌ی ۳۲ (۶۹) - سوره‌ی حدید / آیه‌ی ۲۸ (۷۰) - شواهد التنزیل جلد ۲ / صفحه‌ی ۲۲۷ (۷۱) - سوره‌ی محمد / آیه‌ی ۹ (۷۲) - مجمع البیان جلد ۶ / صفحه‌ی ۱۶۴ (۷۳) - تفسیر برهان جلد ۳ / صفحه ۱۳۶ (۷۴) - سوره‌ی بقره / آیه ۲۰۸ - سلم ولایت است - ینابیع الموده جلد ۱ / صفحه ۳۳ (۷۵) - سوره‌ی مائده / آیه‌ی ۳ (۷۶) - سوره‌ی آل عمران / آیه‌ی ۱۰۳؛ حبل الله حضرت علی بن ابیطالب علیهما السلام است؛ ینابیع الموده جلد ۱ / صفحه ۱۳۹ (۷۷) - سوره‌ی حج / آیه‌ی ۲۷ (۷۸) - وسائل الشیعه جلد ۱۴ / صفحه‌ی ۳۲۵ (۷۹) - سوره‌ی مدثر / آیه‌ی ۴۰ - راجع نورالثقلین جلد ۵ / صفحه ۴۵۸ (۸۰) - سوره‌ی رعد / آیه‌ی ۴۳؛ مقصود، حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد. شواهد التنزیل جلد ۱ / صفحه‌ی ۳۰۷ از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند که (من عنده علم الکتاب) حضرت علی بن ابیطالب علیهما السلام می‌باشند.

- (۸۱) - اشاره به مقام امیرالمؤمنین علیه السلام که صاحب زمین و حجت خدا بر اهل زمین است راجع معانی الاخبار / صفحه ۱۲۰
- (۸۲) - تعبیر حضرت امام رضا علیه السلام در مورد امام؛ راجع اصول کافی جلد ۲ / صفحه ۲۰۰ (۸۳) - همانطور که در معنی آیه شریفه « فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ » گفته شد ذکرالله علی علیه السلام است؛ « فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ » نیز اشاره به اوصیاء آن حضرت است.
- (۸۴) - مشکاة: رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، مصباح: علی علیهما السلام، و بحرین: فاطمه و علی علیهما السلام هستند؛ راجع تفسیر برهان جلد ۳ / صفحه ۱۳۶ و شواهد التنزیل جلد ۱ / صفحه ۲۰۸ (۸۵) - سورهی ملک / آیهی ۳۰ (۸۶) - سورهی حج / آیهی ۴۵ (۸۷) - سورهی طه / آیهی ۱۲۴ (۸۸) - سورهی صف / آیهی ۸ (۸۹) - سورهی توبه / آیهی ۱۱۹ (۹۰) - سورهی رعد / آیهی ۷ (۹۱) - سورهی عبس / آیهی ۲۴ (۹۲) - زیارت حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف مفاتیح الجنان (۹۳) - اشاره به فرمایش حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به مرحوم آیه‌الله میرزا مهدی اصفهانی قدس - در ردّ تصوف و انحرافات آنها (۹۴) - شرح لمعه جلد ۴ صفحه ۴۲۸ بحث سبق و رمایه - در بحث اسب دوانی برنده اول را سابق گویند و برنده دوم را مصلی نامند. در مسابقه ایمان و تقوا، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برنده اول و سابقند، شیعیان ایشان برنده دوم و مصلین می‌باشند. (۹۵) - پیروان ائمه علیهم السلام راجع نورالثقلین جلد ۵ / صفحه ۴۵۸ (۹۶) - به کتاب شناخت امام یا راه رهایی از مرگ جاهلی رجوع نمائید. (۹۷) - نهج البلاغه فیض الاسلام / صفحهی ۴۸۰ (۹۸) - منیه المرید شهید ثانی / صفحهی ۱۶ (۹۹) - سورهی توبه / آیهی ۱۱۹ (۱۰۰) - مرحوم علامه میر سید احمد علوی داماد مرحوم میرداماد ره در کتاب لطائف غیبیه از قول علماء عامه (اهل سنت) نقل کرده که صادقین در این آیه، منظور حضرت علی علیه السلام و یاران اویند. رجوع کنید به صفحهی ۴۱۳ کتاب مذکور و صاحب ینابیع الموده صفحهی ۱۱۹ نقل نموده که صادقین، پیامبر و اهل بیت آن حضرت می‌باشند. (۱۰۱) - اجساد جاویدان / صفحهی ۳۱۷ (۱۰۲) - سورهی انبیاء / آیهی ۱۰۵ (۱۰۳) - سورهی انبیاء / آیهی ۱۰۶ (۱۰۴) - منتهی الامال جلد ۱ / صفحهی ۲۴۰ (۱۰۵) - سورهی عنکبوت / آیهی ۶۹ (۱۰۶) - بحرین (حضرت علی و حضرت فاطمه علیهما السلام لؤلؤ و مرجان (امام حسن و امام حسین علیهما السلام) شواهد التنزیل / جلد ۱ / صفحهی ۲۰۸ (۱۰۷) - سورهی آل عمران / آیهی ۱۰۳ (۱۰۸) - ینابیع الموده جلد ۱ / صفحهی ۱۳۹ (۱۰۹) - نورالثقلین جلد ۳ / صفحهی ۶۰۴ (۱۱۰) - سورهی نور / آیهی ۳۴ (۱۱۱) - نهج البلاغه فیض الاسلام / صفحهی ۸۲۵ (۱۱۲) - سورهی مائده / آیهی ۳ (۱۱۳) - سورهی مائده / آیهی ۶۷ (۱۱۴) - ثواب الاعمال / صفحهی ۲۱ (۱۱۵) - سورهی آل عمران / آیهی ۳ (۱۱۶) - سورهی انبیاء / آیهی ۳۰ (۱۱۷) - سورهی فرقان / آیهی ۴۸ (۱۱۸) - سورهی انفال / آیهی ۲۴ (۱۱۹) - شواهد التنزیل جلد ۱ / صفحهی ۳۸۰ (۱۲۰) - اهل الذکر ائمه‌ی اطهار علیهم السلام می‌باشند - رجوع کنید به شواهد التنزیل جلد ۱ صفحهی ۳۳۴ (۱۲۱) - اشاره به آیهی ۱۲۴ / سورهی طه (۱۲۲) - آیهی ۴۵ (۱۲۳) - آیهی ۳۰ (۱۲۴) - سورهی الرحمن / آیهی ۱۹ (۱۲۵) - سورهی رعد / آیهی ۷ - یعنی: ای رسول این است و جز این نیست که تو بیم دهنده هستی، و برای هر قوم هادی و راهنمائی هست. (۱۲۶) - جنه‌العاصمه / مرحوم آیت الله میرجهانی ره صفحهی ۱۴۹ (۱۲۷) - سورهی انعام / آیهی ۲۹ (۱۲۸) - سورهی انعام آیهی ۵۰ (۱۲۹) - سورهی آل عمران / آیهی ۱۷۹ (۱۳۰) - سورهی آل عمران / آیهی ۴۹ (۱۳۱) - امراء هستی صفحهی ۳۳۲ / به نقل تأویل آیات (۱۳۲) - سورهی احقاف / آیهی ۱۵ (۱۳۳) - سورهی مریم / آیهی ۲۹ (۱۳۴) - ینابیع الموده / جلد ۱ / صفحهی ۱۰۰ (۱۳۵) - سورهی آل عمران / آیهی ۴۳ (۱۳۶) - رجوع کنید به دعای رجب، توقیع شریف (۱۳۷) - « بِشُرُوطِهَا وَ أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا »: فرمایش امام رضا علیه السلام ثواب الاعمال / صفحهی ۶ (۱۳۸) - امراء هستی / صفحهی ۳۳۷ (۱۳۹) - بحار الانوار / جلد ۵۲ / صفحهی ۱۵۲ (۱۴۰) - ولایت المتقین / صفحهی ۱۸۲-۱۸۵ (۱۴۱) - این استدلال از عالم عظیم‌النشان، فقیه و فیلسوف عالیقدر، معلم ثالث مرحوم میرداماد قدس نقل گردید. (۱۴۲) - و بنا بر قول شیعه بعد از انتخاب هم کاره‌ای نبوده است. (۱۴۳) - نوار مباحثات و منبر آقای شیخ عبدالرحمن العلی موجود است و فیلم سخنرانی و اذان گفتن و نماز خواندن او به طریق شیعه نیز موجود می‌باشد.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب تقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

